

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۵۶

جمعه ۳ فروردین ۱۳۹۷، ۲۳ مارس ۲۰۱۸

پیام نوروزی حمید تقوایی

فرارسیدن سال نور با به مردم آزاده ایران تبریک میگویم.

سال نو در شرایطی فرامیرسد که ما مردم درگیر یک نبرد سرنوشت ساز با حکومت هستیم. نبردی علیه حقوقهای نجومی و فلاکت عمومی، علیه حجاب و بیحقوقی مفرط زنان، علیه سرکوب و اختناق، و علیه دزدی و فساد که کل نظام حاکم را فراگرفته است. ما در سالی که گذشت اعلام کردیم که بازی اصلاح طلب اصولگرا به پایان رسیده است، اعلام کردیم جمهوری اسلامی نمیخواهیم و اعلام کردیم این حکومت قرون وسطائی باید سرنگون بشود. سال تازه سال تحقق این امر و فرمان جنبش انقلابی ما است.

جمهوری اسلامی رفتنی است، این را حتی جانیان حاکم و دارو دسته های حکومتی هم بخوبی دریافته اند و باین دلیل است که هر روز بیشتر به جان هم می افتند، با هزار زبان هراس خود را از انفجاری که در راه است بیان میکنند و به یکدیگر هشدار میدهند.

مبارزه علیه جمهوری اسلامی امروز آغاز نشده است. نبرد امروز ما مرحله نهائی جنگی است که قریب چهار دهه است در عرصه های مختلف ادامه دارد. مبارزه کارگران علیه فقر و فلاکت و بیکاری، کارگرانی که شوراهای خود را بر پا کرده بودند و کنترل کارخانه ها را بدست گرفته بودند، و مبارزه زنان علیه حجاب اجباری از همان نخستین روزهای بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی آغاز شد. و امروز

سال نو در شرایطی فرامیرسد که ما مردم درگیر یک نبرد سرنوشت ساز با حکومت هستیم. نبردی علیه حقوقهای نجومی و فلاکت عمومی، علیه حجاب و بیحقوقی مفرط زنان، علیه سرکوب و اختناق، و علیه دزدی و فساد که کل نظام حاکم را فراگرفته است. ما در سالی که گذشت اعلام کردیم که بازی اصلاح طلب اصولگرا به پایان رسیده است، اعلام کردیم جمهوری اسلامی نمیخواهیم و اعلام کردیم این حکومت قرون وسطائی باید سرنگون بشود. سال تازه سال تحقق این امر و فرمان جنبش انقلابی ما است.

پیش خواهیم برد و به پیروزی خواهیم رساند.
سال ۹۷ میتواند و باید سال بزیر کشیدن جمهوری اسلامی و رسیدن به جامعه ای آزاد و برابر و مرفه و انسانی باشد.
فرارسیدن سال نور با یکبار دیگر به مردم ایران تبریک میگویم و برای همه سالی سرشار از شادی و سلامتی و بهروزی آرزو میکنم.
حمید تقوایی
اول فروردین ۱۳۹۷

مروری بر مهمترین رویدادهای ۹۶

صفحه ۲

گفتگوی خلیل کیوان با حمید تقوایی

ترامپ و اپوزیسیون مرتجع

صفحه ۵

کاظم نیکخواه

برای افزایش حداقل دستمزد

صفحه ۶

علی جوادی

فوت ۱۱۳۷ کارگر حین کار و مصدومیت ۱۸ هزار و ۷۷۷ نفر در سال گذشته!

صفحه ۷

محمد شکوهی

کارگران در سال ۹۶

صفحه ۸

شهلا دانشفر

کارگران به دستمزدهای چند بار زیر خط فقر اعتراض دارند

صفحه ۱۰

تشکل های کارگری: حداقل دستمزد ۵ میلیون

چرا عفرین سقوط کرد و پیامدهای آن چگونه خواهد بود؟

صفحه ۱۲

گفتگوی خلیل کیوان با محمد آسنگران

اعتراضات کارگری در روزهای پایانی سال با قدرت ادامه دارد!

صفحه ۱۵

حزب کمونیست کارگری ایران

اسلام رفتنی است!

منصور حکمت

محصولش را خود درو نخواهند کرد. این يك اردوی ناپایدار و گذراست. این صورت مساله است. ناسازگاری جمهوری اسلامی با حیات اقتصادی ایران، انتظارات و نیازهای سیاسی و فرهنگی اکثریت عظیم مردم دیگر عیان شده و يك مبارزه وسیع اجتماعی برای رفع این تناقض در ایران آغاز شده است. جمهوری اسلامی لبه پرتگاه است. جناح راست نمیتواند قدرت را حفظ کند. سلاح سرکوب و ارعاب بی مصرف و کند شده، دگرگونی عمیق اوضاع اجتناب ناپذیر است. اما سیر تحول آنجا که دوم خردادی ها می خواهند متوقف نشود. نقطه تعادل اسلامی جدیدی وجود ندارد.

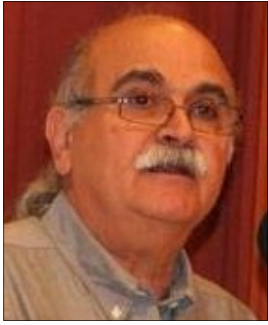
این متن بخشی از مقاله منصور حکمت تحت عنوان یادداشت‌هایی درباره بحران سیاسی رژیم اسلامی است که در اردیبهشت سال ۱۳۷۹ نوشته شده است.

کوبیدن بر طبل اسلامیت فقط به انزجار عموم می افزاید و آتش عصیان و قیام را شعله ور میکند. اما دوم خردادی ها هم راه حلی ندارند. این تصور که مردم ایران علیه اسلام محمدی برمیخیزند و به میدان می آیند، تا بعد به دست خودشان اسلام "پروتستان" نیم پز این و آن را بر تخت بنشانند و میان عمامه ها انتخاب کنند، از فرط حماقت فکاهی است. سیر تحولات آتی ایران قالب اسلامیت را پاره میکند و همراه آن تمام جریانات اسلامی، از خاتمی چی ها و نهضت آزادی تا طیف وسیع اپوزیسیون اسلامزده و شرقزده حاصل تجزیه و دگرپرسی حزب توده و جبهه ملی، که به يك معنی وسیعتر تاریخی براستی باید از نظر اسلاميون "خودی" محسوب شوند را بیش از پیش منزوی و بی ربط میکند. دوم خردادی ها هرچه بکارند، بهر حال

اسلام رفتنی است. اسلام دارد از زندگی مردم ایران رخت بر می بندد. نه فقط از حکومت و دولت و آموزش و پرورش، بلکه از منظره شهرها، از دنیای درونی تک تک انسانها، از عمق عواطف و فرهنگهای فردی شان، از خود آگاهی شان، از مناسبات روزمره شان باهم. اسلام دارد ور می افتد، درست به همان شکلی که دین و جهالت بطور کلی باید ور بیفتد. باید پشت سر گذاشته شود. ایران يك موج برگشت وسیع ضد اسلامی را تجربه میکند. رژیم سیاسی آتی ایران چه چپ باشد چه راست، چه انقلابی باشد و چه ارتجاعی، فقط میتواند غیر مذهبی باشد. مردم بنیادهای هویت مذهبی را به لریزه درآورده اند. جمهوری اسلامی نمیتواند باقی بماند، از جمله و بویژه به این دلیل که مذهبی است. اسلامی است. جناح راست با

مروری بر مهمترین رویدادهای ۹۶

گفتگوی خلیل کیوان با حمید تقوایی



خیزش دیمه بازی انتخاباتی و تلاش حکومت برای مشروعیت خریدن در مضحکه های انتخاباتی را برای همیشه پایان رساند و امید و توهم حکومتی ها و اپوزیسیون ملی اسلامی آن به خط استحاله را تماما به باد داد.

رای نرفتند و یا به کوری چشم خامنه ای به روحانی رای دادند. مردمی که قبلا تلاش میکردند در بازیهایی انتخاباتی به نحوی نارضایی و مخالفتشان را اعلام کنند، به خیابان آمدند و مستقیم و صریح کل حکومت را بجالش کشیدند. خیزش دیمه بازی انتخاباتی و تلاش حکومت برای مشروعیت خریدن در مضحکه های انتخاباتی را برای همیشه پایان رساند و امید و توهم حکومتی ها و اپوزیسیون ملی اسلامی آن به خط استحاله را تماما به باد داد. امروز کل جناح به اصطلاح اصلاح طلب همانقدر زیر فشار و هدف اعتراضات مردم است که جناح خامنه ای.

خلیل کیوان: شما بالاتر به حادثه آتش سوزی پلاسکو، انفجار معدن یورت آزاد شهر، و زلزله در غرب کشور اشاره کردید. هر يك از این حوادث به يك عرصه مقابله مردم با حکومت تبدیل شد. چرا؟ پیامدهای این مساله در جامعه چه بود و چه نقشی در شکل دادن به خیزش دیمه داشت؟

حمید تقوایی: سوانح طبیعی و یا اجتماعی نظیر زلزله و یا آتش سوزی ممکن است در هر کشوری اتفاق بیافتد اما در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی این نوع حوادث رویدادهای سیاسی هستند و بدنبال چنین اتفاقاتی مردم بپرست پای دولت و مسئولین و مقامات را بمیان میکشند.

جمهوری اسلامی حکومتی است که مسئولیتی در قبال جان و

پایان رسید کمی تأمل کنیم. شما این رویداد را چطور ارزیابی میکنید و تأثیر آن بر حوادث بعدی کشور را چگونه می بینید؟

حمید تقوایی: انتخابات از یکسو نشاندهنده بالاگرفتن و تشدید دعوای جناحی حکومت بود و از سوی دیگر نشانه تضعیف خامنه ای و جناح طرفدارش تا حدی که از تقلب و مهندسی انتخابات ناتوان بودند. تنفر مردم از خامنه ای و کاندید مورد نظرش رئیسی باعث شد روحانی رئیس جمهور بشود اما او انتخاب کسی نبود. بر خلاف های و هوی اصلاح طلبان رای مردم - در همان حلی که در انتخابات شرکت کردند و به روحانی رای دادند- نه بخاطر طرفداری از سیاستها و تبلیغات او بلکه ناشی از مخالفتشان با خامنه ای و اصولگرایان بود. روحانی رئیس جمهور شد اما انتخاب کسی نبود. ما همان زمان اعلام کردیم که رای به روحانی، رای سلبی به خامنه ای است. مردم هم میخواستند به رهبری و کاندید مطلوبش تو دهنی بزنند و هم کشمکشهای درون حکومتی را تشدید کنند. این تبیین ما از انتخابات اردیبهشت ماه بود و خیزش توده ای مردم در دی ماه با شعار جمهوری اسلامی نمی خواهیم و "اصلاح طلب اصولگرا دیگه توممه ماجرا" بر این تبیین تماما صحه گذاشت. بر خلاف تحلیلهای سطحی برخی رسانه های غربی متمایل به خط استحاله، خیزش دیمه نتیجه کارشکنی های خط اصولگرا و یا توهم زدائی به روحانی در يك فاصله هشت ماهه نبود.

مردم از قبل، از همان آغاز دور اول ریاست جمهوری روحانی "حسن کلید ساز" را بخوبی میشناختند و توهمی به او نداشتند. اتفاقی که افتاد بجالش کشیدن مستقیم و صریح حکومت توسط توده مردمی بود که در انتخابات یا اساسا به پای صندوق

تفر مردم از خامنه ای و کاندید مورد نظرش رئیسی باعث شد روحانی رئیس جمهور بشود اما او انتخاب کسی نبود.

جنبش کارگری در سال گذشته نماینده توده مردم بزیر خط فقر رانده شده در مقابل آیت الله های میلیاردی بود و همین تقابل میان "فلاکت عمومی و حقوقهای نجومی" بود که نهایتا خیزش دیمه را شعله ور کرد.

مطالبات و شعارهای مطرح شده در این اعتراضات، و از لحاظ اشکال مبارزه، سال ۹۶ سالی ویژه بود. در مواردی نظیر مبارزات معلمان و بازنستگان ما شاهد سازماندهی و برآمد سراسری اعتراضات بودیم، و در مواردی نظیر مبارزات کارگران هیکو مارش خیابانی کارگران با شعار "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی" جلوه تازه ای از رادیکالیسم جنبش کارگری و پیشکسوتی آترا بعنوان طلابه دار خیزش توده ای در دیمه، به نمایش گذاشت. جنبش کارگری در سال گذشته نماینده توده مردم بزیر خط فقر رانده شده در مقابل آیت الله های میلیاردی بود و همین تقابل میان "فلاکت عمومی و حقوقهای نجومی" بود که نهایتا خیزش دیمه را شعله ور کرد.

در مقابله مردم با حکومت در دوره قبل از دیمه میتوان به رخدادهایی نظیر آتش سوزی پلاسکو، انفجار معدن ذغال سنگ در یورت آزاد شهر، و زلزله در مناطق غربی کشور نیز اشاره کرد. این موارد حوادث و یا رخدادهای طبیعی نبودند بلکه فجایعی سیاسی - اجتماعی بودند که جمهوری اسلامی بطور مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دهی به آنان نقش مهمی داشت و به همین دلیل هر يك از این موارد به عرصه های تازه اعتراض و مقابله مردم با مسئولین و مقامات تبدیل شد.

خلیل کیوان: به این موارد نیز خواهیم پرداخت اما قبل از آن لازمست در مورد انتخابات ریاست جمهوری که در ۲۹ اردیبهشت با انتخاب روحانی به

دیگری هم بتوان یافت که تشتت سیاسی حکومتگرانش دست کمی از جمهوری اسلامی نداشته باشد ولی خودویژگی شرایط ایران نه رقابتهای سیاسی و یا حتی اقتصادی، بلکه خود افشارگری حکومتی ها از دزدیهای میلیاردی یکدیگر و دست داشتن باندها و مقامات جناح رقیب در کشتار و جنایت علیه مردم است (نظیر افشارگری از رئیسی در رابطه با اعدامهای دهه شصت در دوره انتخابات و کلا باز شدن مجدد پرونده کشتارها بوسیله طرفداران منتظری). هر يك از این موارد در هر کشور دیگری برای استعفا و یا برکنار کردن يك دولت کافی است اما در جمهوری اسلامی این وضعیت به يك حالت عادی و نرمال نظام حاکم تبدیل شده است.

نکنه قابل توجه اینست که این کشاکش ادامه خطی دعوای گذشته نیست. حکومتی ها در ماه های بعد از انتخابات شرایط را با دوره بنی صدر مقایسه میکردند. حتی خامنه ای به روحانی در مورد تکرار تجربه بنی صدر هشدار داد. اما شرایط امروز کاملا بر عکس دوران بنی صدر است. در آن دوره رئیس جمهور تمام مشروعیت خودش را از حمایت ولی فقیه میگرفت. امروز بر عکس است، رئیس جمهور عملا اعتبار خود را از مخالفت با ولی فقیه کسب میکند. بی آبرویی و بی اعتباری ولی فقیه بعنوان راس و نماد و مظهر نظام جمهوری اسلامی حتی در میان خود حکومتی ها، يك ویژگی نظام حاکم و نشانه ضعف و انحطاط بیش از پیش و بحران و بن بست آن است.

از سوی دیگر، در رابطه بین مردم و حکومت، سال گذشته سال گسترش و برآمد جنبش کارگری بود. جنبشی که در زمینه سازی و شکل دادن به عروج جنبش سرنگونی طلبانه در دیمه نقشی اساسی و تعیین کننده ایفا کرد. از نظر تعداد اعتصابات و تجمعات اعتراضی کارگری، مضمون رادیکال

خلیل کیوان: بنظر شما مهمترین رخدادهای ۹۶ چه بود؟ **حمید تقوایی:** رویدادها را میتوان به دو دسته تقسیم کرد. تحولات در میان صفوف حکومت و تحولات در رابطه جامعه و توده مردم با حکومت. که این دو البته بهمديگر کاملا مربوط هستند. در دسته اول مهمترین رویداد انتخابات ریاست جمهوری بود و در دسته دوم خیزش انقلابی مردم در بیش از نود شهر.

در سال گذشته ما از یکسو شاهد تشدید و حاد شدن کشمکش میان صفوف حکومت در حین انتخابات و پس از آن بودیم. علاوه بر نزاع همیشگی میان اصولگرایان و اصلاح طلبان، احمدی نژاد و دار و دسته اش هم به سیرک جنگ مغلوبه دار و دسته جات حکومتی اضافه شدند. دولت روحانی و طرفداران آن، که خود به دو باند رفسنجانی و خاتمی یا خط سبز و خط بنفش تقسیم میشوند، باند احمدی نژاد- مشائی، قوه قضائیه، بیت رهبری و فراکسیونها متناظر آنها در مجلس اسلامی، آش در هم جوشی را بوجود آورد که دیگر با تقسیمبندی قدیمی اصولگرا- اصلاح طلب قابل تعریف و توضیح نبود. همه بجان هم افتاده بودند و از دزدیها و جنایات یکدیگر افشارگری میکردند. حتی کار بجانی کشید که خامنه ای گله های حزب الله را در مقابله با دولت و طرفدارنش "آتش به اختیار" اعلام کرد و از جناح مخالف پاسخ گرفت که این امری دو طرفه است!

شاید از نظر سیاسی کشورهای دیگری هم بتوان یافت که تشتت سیاسی حکومتگرانش دست کمی از جمهوری اسلامی نداشته باشد ولی خودویژگی شرایط ایران نه رقابتهای سیاسی و یا حتی اقتصادی، بلکه خود افشارگری حکومتی ها از دزدیهای میلیاردی یکدیگر و دست داشتن باندها و مقامات جناح رقیب در کشتار و جنایت علیه مردم است

مال شهروندان احساس نمیکند، نه برای پیشگیری از چنین حوادثی و نه برای رسیدگی به قربانیان آن سیاست و اقدامی در دستور ندارد و سران و مقامات و مسئولینش چنان در فساد و دزدی و اختلاس و سوء استفاده غرق اند که حتی در سوانح طبیعی هدف و دغدغه شان سوء استفاده های مالی و پر کردن جیبهای گشاد خودشان است. مردم ایران به این واقعیات واقفند، در تجربه زندگی روزمره شان این رژیم را بخوبی شناخته اند، و از همین رو معمولاً بدنبال حوادث و سوانح طبیعی و اجتماعی از یکسو اعتراضات بالا میکشند و از سوی دیگر مردم دولت را دور میزنند و خود دست بکار کمک رسانی به قربانیان میشوند.

حادثه آتش سوزی پلاسکو که بیش از ۵۰ نفر کشته بجا گذاشت، موج همبستگی و همدردی گسترده ای را میان مردم و خانواده قربانیان و کارگران آتش نشانی موجب شد. حادثه انفجار معدن بورت نیز که در اثر آن بیش از ۴۰ معدنچی جان باختند، انعکاس وسیعی در جامعه پیدا کرد. و خشم و اعتراض عمومی بویژه در میان کارگران را در سراسر ایران برانگیخت.

اما فاجعه ای که بیش از همه جامعه را تکان داد زلزله در کرمانشاه و برخی مناطق غربی کشور بود. در اثر این زلزله بنا به آمار رسمی بیش از شصت نفر جان باختند، بیش از ده هزار نفر مجروح شدند و بیش از هفتاد هزار نفر بی خانمان و از هستی ساقط شدند. از همان اولین ساعات پس از وقوع زلزله اقدامات امداد رسانی از جانب توده مردم و نهادهای کارگری و ان.جی.او.ها آغاز شد. مقامات و مسئولین و ارگانها دولتی مانند همیشه نه تنها دردی از مردم دوا نکردند بلکه جزئی از صورت مساله مردم بودند. بی توجهی و بی مبالائی مقامات در کنار دزدیها و سوء استفاده هایشان چه در پروژه های ساختمانی در مناطق زلزله زده قبل از وقوع زلزله و چه در به اصطلاح امداد رسانیهایشان چنان آشکا و رسوا بود که حتی باندهای حکومتی را به افشاکاری متقابل و محکوم کردن یکدیگر واداشت. بسیاری از بازماندگان زلزله تا

همین امروز از حداقل امکانات زندگی و سرپناه محروم هستند و اعتراض به این وضعیت يك عرصه و زمینه مهم بر آمد خیزش توده ای در دیماه، بخصوص در کرمانشاه و مناطق غربی کشور بود. اما رابطه این فجاج با جنبش سرنگونی که آغاز شده يك رابطه مستقیم و يك به يك نیست. مجموعه این حوادث و خشم و اعتراضات توده ای که در کل جامعه برانگیخت به گفتمان و چنان فضای سیاسی - اعتراضی در جامعه و در مدیای اجتماعی شکل داد که نهایتاً به بر آمد انفجاری اعتراضات در دیماه منجر شد.

خلیل کیوان: یکی از ویژه گی های سال ۹۶ گسترش اعتراضات اجتماعی و تعرضی تر شدن آنها بود. نه فقط حجم اعتراضات بلکه شعارها نیز تهاجمی تر و تندتر شد. امروز کارگران اعتراضاتشان را به خیابانها کشانده اند و در مواردی به عمل مستقیم روی آورده اند. پس از يك دوره رکود در فضای سیاسی دانشگاه ها مجدداً شاهد اعتراضات وسیع دانشجویان در سال گذشته بودیم. اعتراضات علیه نابودی محیط زیست هم سراسر ایران را فرا گرفته است. در مورد این اعتراضات چه فکر میکنید؟

حمید تقوایی: اعتراضات پیگیر زنان علیه حجاب و محرومیتها و محدودیت هایشان در جامعه و خانواده، اعتراضات مالباختگان، و اعتراضات خانواده های قربانیان کشتار دهه شصت، اعدامیان و زندانیان سیاسی را نیز باید به این لیست اضافه کرد. دردها و مصائبی که موجب این اعتراضات شده مصادیق و نمونه های کنکرت توحش و جنایت پیشگی حکومت و ریشه های جنبش سرنگونی طلبانه ای است که در دیماه با شعار جمهوری اسلامی نمیخواهیم در سراسر کشور سر بلند کرد.

در این میان همانطور که بالاتر هم اشاره کردم جنبش کارگری جایگاه ویژه ای دارد. کلا در چند سال اخیر جنبش کارگری نقاط عطف مهمی داشته و گامهای جهشی و قابل توجهی به جلو برداشته است. (بعنوان نمونه کیفر خواست رزمنده عبیدی و عظیم زاده دو چهره سرشناس جنبش کارگری و جنبش

فضای سیاسی بعد از سرکوبهای سال ۸۸ را اساساً جنبش کارگری به نفع مردم و به ضرر حکومت تغییر داد و به این معنی مهر خود را بر شرایط سیاسی و مبارزاتی در جامعه کوبید.

معلمان از درون زندان در روز کارگر سال ۹۵، به نحوی که میتوان گفت فضای سیاسی بعد از سرکوبهای سال ۸۸ را اساساً جنبش کارگری به نفع مردم و به ضرر حکومت تغییر داد و به این معنی مهر خود را بر شرایط سیاسی و مبارزاتی در جامعه کوبید. اعتراضات سراسری معلمان و باز نشستگان که اساساً از طریق مدیای اجتماعی سازمان پیدا میکرد، شرکت خانواده های کارگران در تجمعات و اعتراضات کارگران، پیگیری و تداوم اعتصابات و اعتراضات، کشیده شدن اعتراضات کارگری به میداين و مراکز شهرها و مارش خیابانی کارگران و غیره و غیره همه جزء دستاوردها و پیشرویهای جنبش کارگری محسوب میشوند. این پیشرویها دستاوردها بنویه خود بخشهای دیگر جامعه را تحت تاثیر قرار داده و به حرکت در آورده است. نظیر جنبش دانشجویی، که شما به عروج مجدد آن اشاره کردید، و همچنین جنبش باز نشستگان، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و مبارزه توده عظیم مردم محروم علیه فقر و ثروتهای بادآورده و حقوقهای نجومی. جنبش کارگری يك رکن مهم به حرکت در آمدن جامعه علیه حکومت و شکل گیری و تداوم جنبش انقلابی ای است که از دیماه آغاز شد.

جنبش کارگری يك رکن مهم به حرکت در آمدن جامعه علیه حکومت و شکل گیری و تداوم جنبش انقلابی ای است که از دیماه آغاز شد.

خلیل کیوان: خیزش دیماه مهمترین رویداد سال ۹۶ بود. مردم در بیش از ۹۰ شهر علیه جمهوری اسلامی به خیابانها ریختند. چرا جامعه چنین با سرعت، وسعت و حلدت به چنین اعتراضاتی روی آورد؟ تبیین شما از این تحول چیست؟

حمید تقوایی: در نگاه اول خیزش دیماه يك انفجار ناگهانی به نظر میرسد که به سرعت عروج کرد و فرو نشست اما این تحول نه غیر

مترقبه و ابتدایساکن بود و نه بهیچوجه فروکش کرده است. همانطور که بالاتر اشاره کردم خیزش دی ماه در ادامه اعتراضات و مبارزات گسترده ای رخ داد که در چند سال اخیر و بویژه از آغاز سال ۹۶ در عرصه های متعددی شکل گرفته بود. مشخصاً تجمعات و اعتصابات در صدها مرکز کارگری، در پتروشیمی ها، ماشین سازیها، آب و برق، مخابرات، معادن، معلمان و پرستاران و باز نشستگان و غیره و غیره جنبش کارگری را در مرکز توجه جامعه قرار داده و فضای اعتراضی چپ و رادیکالی در جامعه بوجود آورده بود. در چنین فضایی جنبشهای اعتراضی دیگر نیز فعالتر و پر تحرک تر از گذشته بمیدان آمده بودند. جنبش علیه بی حقوقی مفرط زنان، علیه حجاب و علیه آپارتاید جنسی، جنبش علیه اعدام، مبارزه علیه پرونده سازیهای امنیتی و برای آزادی زندانیان سیاسی، و اعتراضات پیگیر مالباختگان از جمله مهمترین عرصه های فعال و پر تحرک در سال گذشته بودند.

از سوی دیگر، در قطب مقابل مردم، بحران و بهم ریختگی صفوف حکومت هر روز عمیق تر و شدید تر میشد. حکومت با بن بست و ورشکستگی کامل اقتصادی روبرو بود، و در حالی که حقوقهای نجومی مقامات و دزدیهای آیت الله های میلیاردی و باندهای حکومتی به موضوع خود افشاکریهای هر روزه باندهای حکومتی تبدیل شده بود، گرانی و بیکاری و فقر و فلاکت در جامعه بیاد میگرد و هر روز شدید تر و گسترده تر میشد.

این اوضاع پیش شرط کلاسیک شکلگیری انقلاب در هر جامعه ای است. يك جامعه پولاریزه شده با دولتی که نمیتواند حکومت کند و مردمی که نمیتوانند تحمل کنند. در یکسو کمپ سرمایه با حکومت اسلامی و مفتخوران و باندهای مافیائی مالی میلیاردرش قرار داشت، و در سوی دیگر کمپ کار با نود و نه درصدیهای بزرگ خط فقر رانده شده و به ستوه آمده از فساد و تحجر و توحش حکومت اسلامی مفتخوران سرمایه دار. خیزش دی ماه حاصل رویارویی این دو قطب طبقاتی در خیابانها بود. مردمی که در روز اول با شعار مرگ بر گرانی و

مردمی که در روز اول با شعار مرگ بر گرانی و بیکاری به خیابانها آمده بودند در روز دوم با شعار جمهوری اسلامی نمیخواهیم و مرگ بر دیکتاتور دست به ریشه مصائب خود بردند.

بیکاری به خیابانها آمده بودند در روز دوم با شعار جمهوری اسلامی نمیخواهیم و مرگ بر دیکتاتور دست به ریشه مصائب خود بردند. دیگر، همانطور که در ادامه این مبارزات نماینده کارگران اعتصابی نیشکر هفت تپه اعلام کرد، مطالبه ای در کار نبود. جامعه اعلام کرد جمهوری اسلامی باید برود و این نقطه عطفی در جنبشهای اعتراضی بود که تا آن زمان ناگزیر بودند گرایش سرنگونی طلبانه خود را در قالب شعارهای صنفی - مطالباتی بیان کنند. در دیماه این استتار بکناری گذاشته شد و کارگران و توده مردمی که فقر و بی حقوقی و توحش و زن ستیزی و انسانیت ستیزی حکومت به ستوه آمده بودند صریح و روشن و شفاف اعلام کردند بازی اصلاح طلب و اصولگرا به پایان رسیده و روند سرنگونی حکومت آغاز شده است.

خلیل کیوان: برخورد جمهوری اسلامی با زندانیان پرده دیگری از جنایت پیشگی این حکومت را در مقابل چشم مردم ایران و جهان به تمایش گذاشت. جمهوری اسلامی کم نکشته است اما "خود کشی دادن" های زندانیان در این سال برجسته شد. چرا جمهوری اسلامی زندانیان سیاسی را خود کشی میکند؟

حمید تقوایی: این تلاش جنایتکارانه ای است برای ارباب جامعه از يك موضع ضعف و استیصال. از یکسو میخواهند با کشتن مخالفین مردم را بترسانند و از سوی دیگر مجبورند این جنایت را "خود کشی" بنامند چون از عکس العمل جامعه میترسند. واقعیت اینست که این نوع جنایات تنها تنفر مردم از آدمکشان حاکم را شدیدتر و عزمشان برای بزرگ کشیدن این جلاخان را راسخ تر میکند. جمهوری اسلامی دارای پرونده قطوری در کشتار و ترور مخالفین، در زندانها و در خارج از زندانها حتی در خارج

که از بد حادثه به اپوزیسیون رانده شد ه اند، به یکباره افق و چشم انداز اصلاح و استحاله رژیم را از دست داده اند و مذبحخانه میکوشند با تمهیداتی نظیر فراندوم و تشکیل شورای نجات ملی و غیره راه مفتری برای نظام اسلامی بیابند. و البته همه این تلاشها با زبان دفاع از مردم و انتقاد از کم کاریها و اشتباهات و حتی فساد مقامات حکومتی انجام میشود.

خیزشی که از دیماه آغاز شد گفتمان جناحهای حکومتی و گفتمان سیاسی جامعه را تماما تغییر داده است. دیگر گفتمان مشروعیت انتخاباتی حکومت و کش و قوسهای برجام و بازگشائی اقتصادی و اقتصاد مقاومتی و خط تدبیر و امید در برابر اسلام ضد آمریکائی و حدود اختیارات ولی فقیه و هیاهوی جنبش سبز و بنفش و ادعاها و خط و نشان کشیدنیهای منطقه ای سرداران سپاه جایگاه چندانی در فضای سیاسی ایران ندارد. همه چیز تحت تاثیر خیزش دیماه تغییر کرده است. همه منتظر ضربه نهائی هستند. حکومتی ها با تشویش و اضطراب و نیروهای انقلابی با امید و اعتماد. خیزش دیماه پایان ماجرای اصولگرا- اصلاح طلب را اعلام کرد؛ آنچه آغاز شده است انقلابی است که میرود بساط حکومت اسلامی سرمایه داران را در هم بپیچد.

همه، از فوکویاما، استراتژیست سیاسی آمریکائی تا وزیر کشور روحانی از انفجار اجتماعی ای که در راه است صحبت میکنند.

مبارزات مردم محسوب میشود. میتوان گفت امروز بدنبال خیزش دی ۹۶ جنبش انقلابی و سرنگونی طلبانه مردم در فضای سیاسی ایران حرف آخر را میزند و مهر خود را بر همه چیز، از روابط میان جناحهای حکومتی تا موقعیت حکومت در منطقه و تا رابطه دولتهای غربی با جمهوری اسلامی میکوبد. بر متن چنین شرایطی است که همه، از فوکویاما، استراتژیست سیاسی آمریکائی تا وزیر کشور روحانی از انفجار اجتماعی ای که در راه است صحبت میکنند.

سیاستها و موضعگیریهای نیروهای اپوزیسیون نیز تماما متأثر از این شرایط است. نیروهای راست سلطنت طلب که از لحاظ استراتژیک و هویت سیاسی شان با انقلاب میانه ای ندارند تلاش میکنند اعتراضات مردم را در چارچوب مقابله ناسیونالیسم و ایرانیت با اسلامیت، یا عبارتی دقیقتر با آخوندهائی که از مذهب و ایمان مردم سوء استفاده کرده اند، تبیین و تحریف کنند. اینان گذشته را به مردم وعده میدهند و به همین دلیل آینده ای نخواهند داشت.

شاخه دیگر نیروهای هراسان از انقلاب، یعنی ملی- اسلامی هائی

نماینده چنین حکومتی است و زمانی که ایرانیان مقیم خارج و نیروهای سیاسی چپ و آزادیخواه مطلع شدند که او در آلمان به سر میبرد حرکت و کمپین وسیعی برای بازداشت و محاکمه او آغاز شد. در این حرکت حزب ما و بویژه مینا احدی نقش فعال و تعیین کننده ایفا کرد. این کمپین بر متن او جگیری مبارزات سرنگونی طلبانه در ایران، توانست یکبار دیگر توجه مردم در ایران و در آلمان و در دیگر کشورها را به جنایت جمهوری اسلامی جلب کند. کمپین محاکمه شاهرودی اساسا بخاطر سیاست مماشات جویانه دولت آلمان، که شاهرودی را مخفیانه از بیمارستان به فرودگاه برد و فراری داد، توانست به دستگیری او منجر بشود ولی با این همه کمپین موفق و موثری بود. باز شدن پرونده جنایات شاهرودی و خبر ساز شدن و داغ شدن این موضوع در آلمان و بدرجائی در اروپا و در خود ایران و نهایتا فرار مقتضحانه شاهرودی از نتایج و تاثیرات مثبت این کارزار بود.

دستگیری و محاکمه مقامات و سران حکومت اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت یک امر نیروهای چپ و آزادیخواه است. مشخصا ایران تریبونال نهادی است که تا کنون با تشکیل دادگاه غیابی مسئولین و سران جمهوری اسلامی گامهای موثری در این جهت بجلو برداشته است و حزب ما نیز مدتهاست این امر را پیگیری دهنبال میکند. کارزار پیگرد شاهرودی که بر متن خیزش انقلابی مردم ایران صورت گرفت گام دیگری در جهت رسوا و محکوم کردن سران و مقامات حکومت جنایت پیشه جمهوری اسلامی در دادگاه افکار عمومی جهانیان بود.

خلیل کیوان: بعنوان آخرین سؤال جمع بندی شما از سال گذشته چیست؟ تقابل جامعه و جمهوری اسلامی و صف بندی نیروهای سیاسی و اجتماعی را چگونه می بینید؟

حمید تقوایی: سال گذشته سال پولاریزه شدن بیش از پیش جامعه بین دو اردوی کار و سرمایه، بین نود و نه درصدیهای بزیر خط فقر و یک درصدیهای مفتخور حاکم، بود. خیزش دیماه نقطه اوج این تقابل و نقطه عطفی در روند

جمهوری اسلامی بدون حجاب نمیتواند دوام بیاورد چون با بر باد رفتن حجابها هویت و ایدئولوژی حکومتی اش نیز بر باد میرود.

منجر میشود؛ و در مقابل، مقامات حکومتی از جمله خامنه ای خود را ناگزیر می بینند بارها علیه این حرکت منبر بروند و خط و نشان بکشند.

ما از مدتها قبل پیش بینی کرده بودیم که انقلاب در ایران زنانه خواهد بود به این معنی که اولاً مساله فرودستی و بیحقوقی مفرط زنان يك مساله و عرصه مهم نبرد در روند انقلاب خواهد بود و ثانیاً زنان نقش فعال و پر تحرکی در انقلاب ایفا خواهند کرد. حرکت دختران انقلاب بر این ارزیابی ما صحه میگذارد. به نظر من در ادامه خیزش دیماه اساسا دو جنبش اجتماعی خیزش سرنگونی طلبانه مردم را زنده نگاه داشته و به آن تداوم می بخشد: جنبش رهائی زن که با دختران انقلاب نمایندگی میشود و جنبش علیه فقر و فلاکت که پرچم آن در دست کارگران است. جمهوری اسلامی نه قادر به دست کشیدن از آپارتاید جنسی و برسمیت شناسی برابری زن و مرد است و نه میتواند مساله فقر و فلاکت را حل کند. گسترش و پیشروی جنبش سرنگونی در این دو عرصه جمهوری اسلامی را به زانو در خواهد آورد.

خلیل کیوان: فعالیت ها و اقداماتی که برای دستگیری و پیگرد هاشمی شاهرودی در آلمان انجام شد از خیرسازترین رویدادهای سال گذشته بود. چرا این موضوع خیرساز شد و مورد توجه در کشور و خارج کشور قرار گرفت؟

حمید تقوایی: دستگیری و محاکمه شاهرودی به يك مساله مهم و خبر ساز تبدیل شد به این دلیل که جمهوری اسلامی بعنوان يك حکومت جنایتکار و عامل ترور و کشتار سبعانه مردم در تمام دوران حاکمیتش، بویژه در ده شصت، شهره آفاق است. شاهرودی رئیس سابق قوه قضائیه و رئیس کنونی مجمع تشخیص مصلحت نظام، مظهر و

سال گذشته سال پولاریزه شدن بیش از پیش جامعه بین دو اردوی کار و سرمایه، بین نود و نه درصدیهای بزیر خط فقر رانده شده و يك درصدیهای مفتخور حاکم، بود.

کشور است. این "خودکشی" کردن زندانیان برگ دیگری در این پرونده سیاه است و میتواند و باید آخرین آن باشد.

جمهوری اسلامی نه قادر به دست کشیدن از آپارتاید جنسی و برسمیت شناسی برابری زن و مرد است و نه میتواند مساله فقر و فلاکت را حل کند. گسترش و پیشروی جنبش سرنگونی در این دو عرصه جمهوری اسلامی را به زانو در خواهد آورد.

خلیل کیوان: پدیده دختران خیابان انقلاب از مهمترین رویدادها بود که انعکاس وسیعی داشت و مورد توجه بسیار قرار گرفت. این موضوع را چطور می توان توضیح داد؟

حمید تقوایی: اقدام شجاعانه دختران انقلاب ازینرو مورد توجه مردم و افکار عمومی در ایران و در سطح جهانی قرار گرفته است که بر يك مساله اساسی جامعه انگشت میگذارد: مساله حجاب بعنوان سمبل و مظهر آپارتاید جنسی و بیحقوقی مفرط زنان در ایران. ما بارها تاکید کرده ایم که حجاب صرفا يك پوشش نیست، مظهر فرودستی و بیحقوقی زنان و هویت زن ستیزانه حکومت اسلامی است و به همین دلیل مبارزه علیه حجاب مبارزه ای است اساسا برسر شکستن دیوار آپارتاید جنسی و رهائی و برابری زنان در همه عرصه ها و زمینه ها. اما مبارزه علیه حجاب حتی از چارچوب رهائی زن فراتر میرود. امروز حجاب به سمبل جنبش فوق ارتجاعی اسلام سیاسی در همه دنیا تبدیل شده است و به این معنی برای جمهوری اسلامی يك امر هویتی- استراتژیک است. جمهوری اسلامی بدون حجاب نمیتواند دوام بیاورد چون با بر باد رفتن حجابها هویت و ایدئولوژی حکومتی اش نیز بر باد میرود. این را هم حکومتی ها بخوبی میدانند و هم مردم. به همین دلیل است که حرکت دختران خیابان انقلاب تکثیر میشود و به برداشتن دسته جمعی حجابها در خیابانها و در مترو تهران در روز هشت مارس

خیزش دیماه پایان ماجرای اصولگرا- اصلاح طلب را اعلام کرد؛ آنچه آغاز شده است انقلابی است که میرود بساط حکومت اسلامی سرمایه داران را در هم بپیچد.

سایت حزب:

www.wpiran.org

سایت روزنه:

www.rowzane.com

سایت کانال جدید:

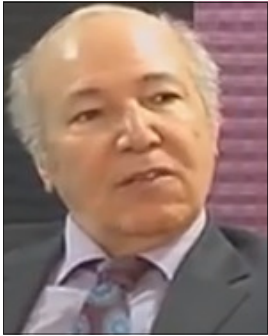
www.newchannel.tv

نشریه انترناسیونال:

www.anternasional.com

ترامپ و اپوزیسیون مرتجع

کاظم نیکخواه



آن صف انسانی قدرتمند و گسترده جهانی بدائیم و بینیم که با سیاستهای ارتجاعی و فاشیستی در هر شکل آن مخالفت میکنند. مخالفت با ارتجاع اسلامی حاکم در ایران ذره ای نباید باعث شود که به ارتجاع و عقب گرد در شکل دیگری روی خوش نشان داده شود و اجازه دهیم که بنام مردم کسی دست یاری به نیروهای مرتجع دراز کند. سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت مبارزه و انقلاب کارگران و مردم ایران و با حمایت و پشتیبانی نیروهای پیشرو جهانی هم امکان پذیر است و هم میتواند به رهایی واقعی بینجامد. از ارتجاع جز ارتجاع و ناهنجاری چیزی حاصل نمیشود. این را باید آویزه گوش کنیم و به تحركات تعفن انگیز اپوزیسیون راست در همراهی با ترامپ و امثالهم قاطعانه نه بگوییم.

آنست که ذره ای بشود انتظار انسانیت و رهایی از آن داشت. کلا جریانات راست خود از جنس امثال ترامپ و خمینی هستند. در همین کمپ قرار دارند. در زمان هیتلر و موسولینی نیز رضا شاه به فاشیستها دخیل بست و به تبلیغات نژاد پرستانه و آریایی گری روی آورد و میخواست به سیاق آنها خاورمیانه را آزاد کند و بعد چویش را خورد. مردم ایران میخواهند خود را از يك جریان فاشیستی و ارتجاعی اسلامی خلاص کنند و به رفاه و برابری و آزادی و حقوق زن و حقوق انسانی دست یابند. این هدف با کمک نیروهای فاشیست و مرتجع و ضد انسانی بدست نمی آید.

نیروهای فاشیست و مرتجع فقط با جنگ و تروریسم و عقب گرد و ارتجاع و مذهب و مفتخوری و توطئه گری میتوانند در سیاست دخالت کنند و امید بستن به آنها جز تباهی و ناهنجاری و عقب گرد اجتماعی نتیجه ای نخواهد داشت. ما مردم پیشرو باید خود را در کنار

اسلامی و ارتجاع اسلامی بسیار خدمت کرد. اکنون حامیانش در خود آمریکا آنچنان رسوا و بی ابرو شده اند که ناچارند خود را از انتظار مخفی کنند.

با شکست سیاست نتوکسنروایتیستها و جرج بوش در عراق و خاورمیانه و کلا تضعیف موقعیت جهانی آمریکا، بطور واقعی جناب ترامپ دیگر گزینه نظامی برای رژیم چنج در اختیار ندارد. میتواند رجز خوانی کند و امثال جان بولتون را که طرفدار حمله نظامی به ایران است به خدمت بگیرد. اینکه دولتها روی جمهوری اسلامی فشار دیپلماتیک بگذارند و این حکومت را منزوی تر سازند روشن است که بهتر از همسویی با حکومت اسلامی و حمایت و همراهی با آنست. بعبارت دیگر مخالفت خوانی ها و دشمنی دول غربی و دولت آمریکا و هر دولت دیگری و از جمله شخص ترامپ با جمهوری اسلامی، برای مردم ایران بهتر از دوستی و حمایت شان از این حکومت جانی است. اما کسی که فکر میکند امروز آمریکا و آنهم دولت مساله دار و بحران زده ترامپ در موقعیتی است که به این راحتی به یک کشور دیگر لشکر کشی کند فقط نشان میدهد که از قافیه سیاست پرت است.

این تحركات و موضعگیریهایی اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی اما برای مردم ایران بسیار آموزنده و مهم است. مردم به چشم خویش دارند می بینند که اینها از چه قماش هستند و به چه کمپ و جبهه ای تعلق دارند. در واقع نیروهای سیاسی راست همینند و همیشه همین بوده اند. نیروی که نه فقط در کنار مردم پیشرو جهان مواضع ضد انسانی و فاشیستی ترامپ را نقد و نفی نمیکند بلکه به پابوس يك شخصیت مفتخور و مولتی میلیاردر و فاشیست و ضد زن و مرتجع مثل ترامپ میرود که دنیا دارد او را مسخره میکند، نشان میدهد که لجن تر و مرتجع تر از

همین روند به وحشت افتاده اند و میخواهند به ترفندها و بازی های مختلف آترا سد کنند و بدنبال "رژیم چنج" از بالای سر مردم و حمله نظامی آمریکا هستند.

این جماعت حتما فوراً میگویند ما از حمله نظامی دفاع نکرده ایم. نه! نه! ما گفته ایم ترامپ نباید به حمله نظامی دست بزند و باید از مبارزات مردم ایران برای سرنگونی حکومت اسلامی و "رفرانوم آزاد" حمایت کند. اما چه کسی است که نداند "رفرانوم آزاد" و سوگند مخالفت با حمله نظامی يك بازی رسوا و مسخره است؟ اگر قرار است ترامپ کسی را به قدرت برساند با چه راهی جز سناریوی چلبی بازی و لشکرکشی از نوع لشکر کشی به عراق قابل تصور است؟ نامه نوشتن به ترامپ و تقاضای حمایت و پشتیبانی کردن چه معنایی جز همین سناریو میتواند داشته باشد؟ بدون تردید اگر در ایران انقلاب مردم حکومت را به زیر بکشد که محتملترین حالت است، مردم به نیروهایی که به آستان بوسی يك فاشیست تمام عیار بنام دونالد ترامپ و امثالهم رفته اند و قبل از آن هم کارنامه سیاسی شان در مامشات و پیام دادن و همراهی با جناحهای حکومت چندان درخشان تر نیست،

تف خواهند کرد. به اینها باید اطمینان داد که حمله نظامی آمریکا به ایران هم يك خواب و خیال بیش نیست. زمانی نه چندان دور یعنی در دوره جرج بوش دولت آمریکا طرح "نظم نوین" آمریکائی را داشت و با این طرح به عراق و افغانستان لشکر کشی کرد. اما آن طرح با روی کار کشیدن جریانات ناسیونالیست و تروریست و مذهبی و قومی در این کشورها به گل نشست و شکست خورد. نتیجه اش اوجگیری تروریسم اسلامی و فاجعه عظیم قربانی شدن صدها هزار نفر از مردم عراق در يك جنگ و کشتار پانزده ساله بود که همچنان هم ادامه دارد. نظم نوین آمریکائی چیزی جز ادبار و بدبختی برای مردم ببار نیاورد و به جمهوری

این روزها با پیام نوروزی دونالد ترامپ و تحركات بعدیش اپوزیسیون راست ایرانی دوباره امیدی برای بازگشت به صحنه سیاست یافته است. همانها که روزی به "رژیم چنج" جرج بوش پسر دخیل بسته بودند، امروز کفش و کلاه کرده اند که فاشیست منفوری مثل ترامپ آنها را به قدرت برساند. بیاد نبرده ایم که ده دوازده سال پیش کمترین تحرک اپوزیسیون راست توسط عناصر سلطنت طلبی تحت نام "هخ" با تبلیغاتی اینچینی به جریان افتاد که با چهار صد هوایما بزودی وارد تهران میشوم". الان هم مجاهد و حشمت طبرزدی و چهره های شناخته شده و ناشناخته سلطنت طلب، با پیام نوروزی ترامپ و انتصاب جان بولتون به مشاور امنیت ترامپ دوباره به رقص و پایکوبی افتاده اند که ترامپ دارد با جمهوری اسلامی سرشاخ میشود و بزودی حمله نظامی را هم شروع خواهد کرد و اوضاع رویره خواهد شد. (حشمت طبرزدی آنچنان از پیام نوروزی ترامپ خود را گم کرده است که چندین بار به تاکید ترامپ بر "گوروش کبیر" در پیام نوروزیش اشاره میکند در صورتی که ترامپ از کوروش اسمی نبرده و فقط از داریوش اسم برده است!).

مشکل اپوزیسیون راست در واقع بیشتر از آنکه با جمهوری اسلامی باشد با مردم ایران است. با کارگران و مردمی است که دارند با اعتراضات و اعتصابات و تظاهرات و مقابله هرروزه با حکومت اسلامی، صحنه سیاسی جامعه را تسخیر میکنند و زمینه را آماده میکنند که با انقلاب خویش حکومت اسلامی را به زیر بکشند. مجاهد و سلطنت طلبان و لیبرال اسلامی ها و کلا اپوزیسیون راست و مرتجع به چشم خویش می بینند که اوضاع دارد به سرعت به سمت سرنگونی حکومت به قدرت مبارزات و خیزش کارگران و معلمان و دانشجویان و بخشهای مختلف مردم معترض پیش میرود. اینها از

تراکت های حزب

کمونست کارگری ایران

را تکثیر و وسیعا پخش کنید

www.wpiran.org

به حزب کمونیست

کارگری ایران پیوندید

سایت حزب:

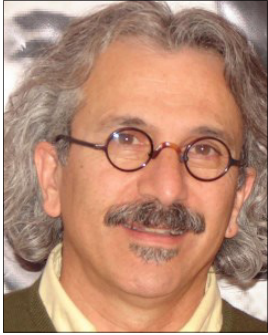
www.wpiran.org

نشریه انترناسیونال:

www.anternasional.com

برای افزایش حداقل دستمزد

علی جوادی



هفته در آن کشور زندگی کرده باشد، به سادگی به رقم مورد نظر میرسد. از هر کارگری پیرسید برای گذران یک زندگی متعارف به چه مبلغی در ماه نیازمنید پاسخ را به سادگی دریافت خواهید کرد. این مساله در زمره مسائل لاینحل ریاضی نیست. در ماههای گذشته بخشهایی از کارگران رقم ۵ میلیون تومان را اعلام کرده اند.

ح: برخی از مدافعان و نمایندگان شوراهای اسلامی و یا جریانات سندیکالیست خواستار تعیین حداقل دستمزد بر مبنای تعیین خط فقر شده اند. این نگرش "تقلیل گرایانه" را باید در هم کوبید. چه کسی گفته است که حداقل دستمزد کارگران باید بر مبنای خط فقر تعیین شود. چرا نباید بر مبنای حقوق وکالی مجلس تعیین شود؟ چرا نباید بر مبنای حقوق پایه مدیران کارخانجات و واحدهای تولیدی تعیین شود؟ این چهارچوب ضد انسانی از کجا آمده است؟ برعکس باید از آنچه سهم و حق و نیاز کارگر و هر انسانی آغاز کرد. حداقل دستمزد باید به نیازهای یک زندگی انسانی پاسخ گو باشد نه به آنچه سرمایه و بورژوازی "ممکن" تعریف کرده است. نه به آنچه که "خط فقر" است. نه به آنچه که تضمین کننده سود سرمایه است. در تعیین حداقل دستمزد باید توقعات

کسانی که میتوانند و باید حداقل دستمزد را تعیین کنند که نمایندگان منتخب کارگران هستند. تنها و تنها نمایندگان منتخب کارگران میتوانند و باید میزان دستمزد را تعیین کنند.

و این ما را به مساله تشکل و نمایندگان کارگران میرساند. در حال حاضر طبقه کارگر فاقد هر گونه حق قانونی برای تشکیل تشکلات توده ای خود است. سرکوب سیستماتیک تلاشهای کارگر یک رکن پایه ای هویت ضد کارگری نظام اسلامی و سرمایه داری در ایران است. از این رو رژیم اسلامی میکوشد تا تشکلات اسلامی و دست ساز خودش یعنی انجمن های اسلامی، خانه کارگر و شوراهای اسلامی، را به جای تشکلات کارگری به کارگران حقنه کند و این ارگانها هم خود را در مقام چنین نقشی قرار میدهند. افشاء و طرد این زائده ها و ارگانهای ضد کارگری یک عمل تعیین کننده در پروسه شکل دادن به تشکلات واقعی کارگری است. کارگران میتوانند و باید این خلاء را با تشکیل مجامع عمومی خود و شکل دادن به شوراهای کارگری بسرعت جبران کنند. سازمان دادن مجامع عمومی کارگری، پرداختن به مساله تعیین حداقل دستمزد، انتخاب نمایندگان واقعی کارگران در مجامع عمومی کارگری، یک تلاش جلی و حیاتی در این راستا است.

ج: چه رقمی را باید کارگران اعلام کنند؟ در پاسخ باید گفت که احتیاج به کار "کارشناسانه" پیچیده ای نیست. رسیدن به رقم مورد نظر بسیار ساده است. کسی که فقط چند

که سرمایه دار از آن برخوردار است. چرا ما باید قبول کنیم زمانیکه در مورد حداقل دستمزد صحبت میکنیم باید از پیش پذیرفته باشیم که ما کارگران بخش محروم و فقیر و بی بهره جامعه هستیم؟ چرا؟ چه کسی گفته است؟ چه کسی حکم داده است سهم طبقه ما محرومیت دائم است؟ فقر و فلاکت است. اگر قرار است محرومی باشد چرا سرمایه دار که هیچ نقشی در تولید ثروت جامعه ندارد، نباید بخش محروم جامعه باشد؟ اصلا چرا محرومی باید وجود داشته باشد؟ در مبارزه برای تعیین دستمزد فعالین و رهبران کارگری در درجه اول باید این نگرش ضد انسانی سرمایه به کار و نیازمندی هایش را زیر نقد کوبیده خود قرار دهند. نباید به کم قناعت کرد. نباید به حداقل بسنده کرد. نباید اجازه داد حداقل دستمزد بر مبنای خط فقر و محرومیت رقم زده شود. ما انسانیم. تولید کنندگان تمامی ثروت جامعه ایم. سهم مان از زندگی را باید بر مبنای نیازمندی هایمان تعیین کنیم.

ب: یک مساله حیاتی دیگر: چه کسی باید در مقام تعیین حداقل دستمزد باشد؟ کارگر یا کارفرما؟ فروشنده نیروی کار یا خریدار نیروی کار؟ نیروی کار در جامعه سرمایه داری یک کالا است. خرید و فروش میشود. معامله میشود. طرح مساله به این صورت وارونه بودن این جوهر معامله نابرابر میان کار و سرمایه را نشان میدهد. کدام خریداری در نظام سرمایه داری قیمت کالاهای مورد نیاز خود را خود تعیین میکند؟ آیا مستاجر اجاره مسکن مورد نیاز خود را تعیین میکند؟ چگونه است که در تمام قلمروهای اقتصادی که قوانین نظام استثمارگراییه کار مزدی بر آنها حاکم است "صاحب" کالا تعیین کننده قیمت "کالای" خود اند، اما کارگر نمیتواند قیمت کالای خود یعنی نیروی کار را تعیین کند؟ این زورگویی و قلدری ذاتی نظام سرمایه داری را نباید پذیرفت. از این رو تنها

اینکه میکوشند کارگران را در چهارچوب قوانین ارتجاعی نظام اسلامی حاکم محدود و اسیر کنند، نمیتوانند بطور واقعی حتی به همان اهداف اولیه و محدود دست یابند. چرا که هر گونه پیشروی طبقه کارگر و هر گونه بهبودی در زندگی مادی توده های مردم منوط به پیشروی مبارزه علیه رژیم اسلامی است.

۳- مبنای تعیین حداقل دستمزد چه باید باشد؟ چه کسی باید حداقل دستمزد را تعیین کند؟ خریدار یا فروشنده نیروی کار؟ شرایط مطلوب کارگر برای تعیین حداقل دستمزد کدام است؟ ملزومات تحقق این مطالبات کنونی کدامند؟

الف: اولین مبنای تعیین دستمزد نگرش عمومی نسبت به این مساله است. یک سؤال ساده: آیا کارگر انسان است یا یک ماشین تولید جاندار؟ سؤال زمختی است. اما پاسخ به آن بیانگر واقعیت زمخت در جامعه سرمایه داری است. کدامیک؟ پاسخ ها مسلما متفاوتند. در نگاه سرمایه، کارگر زنده است تا کار کند، محصولات جدید تولید کند و سود بیافریند. اما برای طبقه ما تعیین حداقل دستمزد نه بر مبنای نیازهای سود آوری و انباشت سرمایه بلکه بر مبنای تامین معاش و نیازمندیهای یک زندگی انسانی در جامعه قرن بیست و یکم است. ما انسانیم. کارگریم. تولید کننده ثروت جامعه ایم. کارگر همان نیازهایی را دارد که سرمایه دار به مثابه یک موجودیت انسانی دارد. فرزندش، خودش، خانواده اش، نیازمند تفریح و استراحت و مسکن و درمان و فراغت و پوشاک و آذوقه مناسب اند. ما دو استاندارد متفاوت در زندگی انسان ها را در جامعه نمی پذیریم. فرزندان ما شایسته همان زندگی ای هستند که فرزندان سرمایه داران از آن برخوردارند. محیط کار ما باید از همان ایمنی برخوردار باشد که محیط کار کارفرما برخوردار است. ما هم به همان تفریحاتی نیازمندیم

رژیم اسلامی با تصویب افزایش ۲۰ درصدی حداقل دستمزد در پایان سال ۹۶، در شرایطی که حداقل دستمزد ۴۰۰ درصد زیر خط فقر است، بار دیگر حکم به محکومیت طبقه کارگر به فقر و فلاکت گسترده داد. اما مبارزه برای افزایش دستمزد پایان نیافته است. این مبارزه ادامه دارد. بمنظور تداوم پیروزمند این مبارزه به نکات متعددی باید اشاره کرد.

۱- ما در عین حال که برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و استقرار یک نظام آزاد، برابر و مرفه، یک جمهوری سوسیالیستی، مبارزه میکنیم، در عین حال در هر مبارزه ای برای بهبود شرایط زندگی و بهبود موقعیت رفاهی، مدنی و اجتماعی کارگران و توده مردم زحمتکش شرکت میکنیم. تلاش برای سازماندهی و به پیروزی رساندن یک انقلاب کارگری از تلاش روزمره برای اصلاحات و بهبود زندگی کارگر امری مجزا نیست. هر درجه که کارگر از زندگی مادی و آزادیهای سیاسی گسترده تری برخوردار باشد، شرایط برای سازماندهی یک انقلاب کارگری مهیا تر است.

۲- اما در ایران اسلام زده و در شرایط حاکمیت اسلامی پیشبدر این اهداف در عین حال مستلزم مبارزه ای همه جانبه علیه رژیم اسلامی است. سرنوشت مبارزه برای اصلاحات اجتماعی و اقتصادی و مدنی در شرایط کنونی تماما به سرنوشت مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی گره خورده است. از این رو هر مبارزه "اقتصادی" برای رسیدن به هدف خود ناچار به توسل به یک مبارزه "سیاسی" علیه رژیم حاکم است. هر پیشروی اقتصادی مستلزم یک پیشروی سیاسی در مقابله با رژیم اسلامی است. رژیم اسلامی به هر مبارزه اقتصادی جنبه عمیقاً سیاسی و ضد حکومتی بخشیده است. از این رو گرایشهای سندیکالیستی که افق و دامنه فعالیت خود را اساساً به عرصه "اقتصادی" محدود میکنند و یا

یک زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع باید برای همه شهروندان در ایران تضمین شود. حداقل دستمزد باید بر مبنای این استانداردها افزایش پیدا کند و بیمه بیکاری مکفی برای همه بیکاران و افراد آماده به کار تامین شود. طب و بهداشت و تحصیل باید فوراً برای همگان رایگان شود.

فوت ۱۱۳۷ کارگر حین کار و مصدومیت ۱۸ هزار و ۷۷۷ نفر در سال گذشته!

محمد شکوهی



جمهوری اسلامی متهم ردیف اول کشتار کارگران است!

در هفته جاری حکومت آماری از حوادث حین کار در سال گذشته ارائه داده است. بر اساس این آمارها در سال گذشته یک هزار و ۱۳۷ کارگر حین کار جان خود را از دست داده اند و ۱۸ هزار و ۷۷۷ مصدوم شده اند. اخیراً مانی فر مدیرکل دفتر مقررات ملی ساختمان وزارت راه و شهرسازی گفته است: در سال جاری، ۴۸ تا ۵۰ درصد حوادث ناشی از کار در حوزه ساختمان و کارگاه های ساختمانی می باشد.

بدون شک آمار کشتار کارگران در محیط های کار بسیار بالاتر از آمار های نهادهای حکومتی می باشد. این آمارها ظاهراً از بخش هایی که دولت و وزارت کار در آمارهایشان ثبت کرده اند، تهیه شده است. هزاران کارگاه و واحد تولیدی "خارج از نظارت وزارت کار" وجود دارد که در آمارها ثبت نشده است. به اعتراف وزارت کار واحدهای گتولیدی غیر استاندارد" بوده و در لیست کارگاههای زیر ۱۰ نفر شاغل می باشند که شامل "قانون کار" نمی شوند. آمار و ارقام مرگ و میر

کارگران در این بخش ها جایی ثبت نمی شود.

بخش معدن و ساختمان بیشترین قربانیان حوادث کار را دارند. یکی از فاجعه بارتترین حوادث سال گذشته، فاجعه معدن زمستان بیروت بود که بیش از ۴۰ کارگر معدن کشته شدند. به اعتراف صاحبان معدن و وزارت کار کارفرما بخشا مقصر بوده است. حکومت وعده پرداخت بیمه بیکاری و جبران خسارت برای بازماندگان این فاجعه را داد. اما بعد از نزدیک به یک سال هنوز به این موضوع رسیدگی نشده است در عوض طی سال گذشته کارفرما با همان استاندارد پر خطر سابق، معدن را دوباره راه اندازی کرده است. در شرایطی که هر لحظه احتمال ریزش و دفن شدن کارگران زیر آوار وجود دارد.

یک مورد دیگر ریزش ساختمان پلاسکو در دو سال پیش در تهران بود که حکومت ادعا میکرد تجهیزات کامل دارد. در حالیکه بخاطر فقدان یک نردبان بیست متری ۱۷ آتش نشان در حین عملیات نجات جانیشان را به این خاطر از دست دادند. این وضعیت تجهیزات ایمنی حکومت در تهران است. وضعیت در جاهای دیگر که کسری از این امکانات را هم ندارد، به مراتب فاجعه بارتر است.

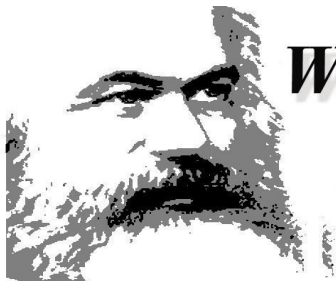
در ایران روزانه بطور متوسط در اثر نبود وسایل و تجهیزات ایمنی کار ۳ الی ۵ کارگر دچار حادثه میشوند که دو نفرشان هم به دلیل نبود وی دیر رسیدن امداد جان خود را از دست می دهند. کشتار کارگران در سراسر کشور یکی از

بزرگترین فجایعی که پیوسته در جریان است. حکومت مدعی است قانون کار در مورد حوادث کار بندهایی دارد که کارفرمایان رعایت نمی کنند. دولت و کارفرمایان همیشه کارگران را مسئول حوادث و "بی احتیاطی کارگران" را علت حوادث اعلام می کنند. بر اساس قوانین حکومت کارگر حادثه دیده از پیش مقصر است و صدایش به جایی نمی رسد. اگر کارگرانی که دچار حادثه شوند، موضوع را پیگیری کنند، با "تبصره های" قانون کار، وزارت کار و کارفرمایان روبرو می شوند که تماماً در جهت تبرئه کارفرما و دولت و برعلیه کارگران می باشد. قوانین ناطر بر ایمنی در محیط کار، قوانین حامی کارفرمایان و دولت می باشد.

محیطهای کار در ایران کشتارگاه کارگران است. سالانه دهها هزار حادثه حین کار رخ می دهد. هزاران کارگر تقص عضو شده و بیش از هزار نفرشان می میرند. کارخانه ها و بخش های مختلف صنعت بدون کمترین امکانات ایمنی و استاندارد فعالیتند. دولت و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی حکومت که بزرگترین کارفرما در ایران می باشند، با وقوع هر حادثه ای، بی شرمانه کارگر را مقصر دانسته و متقبل هیچگونه هزینه ای برای کارگران صدمه دیده نمی شوند. سرنوشت دهها هزار کارگری که سالانه در محیط کار و در حین کار دچار حادثه میشوند، سرنوشت تلخ تقص عضو و بیکاری و سرگردانی و بخشا از هم پاشیده شدن خانواده های کارگران می باشد.

برخوردای از وسایل و تجهیزات ایمنی در محیط کار، برخورداری از امکانات امداد و درمان حق کارگران است و دولت و کارفرمایان موظف هستند ایمنی محیط کار را تامین نمایند. پرداخت خسارت به کارگران صدمه دیده، برخورداری از امکانات بیمه بیکاری در دوران معالجه و ... حق کارگران است. اما از نظر دولت و کارفرمایان اینها "هزینه های اضافی" هستند. کارگران برای تحمیل این حق و حقوق ابتدایی شان سالهاست که مبارزه می کنند و عملاً دولت و کارفرمایان، با دهها تبصره و قانون از فراهم آوردن امکانات ایمنی در محیط کار طفره می روند.

نظام سرمایه داری اسلامی در ایران برای حفظ سود و منفعتش، برای آنچه که این نظام وارونه به وقاحت و بی شرمی "کاهش هزینه های" می نامد، رسماً و قانوناً محیط های کار را تبدیل به قتلگاه کارگران کرده است. حرص و طمع سیری ناپذیر سرمایه داران و کارفرمایان و دولت، افزایش و انباشت سرمایه از قبل کار کارگران، "صرفه جویی" در امر تامین ایمنی در محیط های کار، ایران را تبدیل به بهشت سرمایه داران و قتلگاه کارگران کرده است. جمهوری اسلامی با قوانین ضد کارگر و مدافع سیستم سرمایه داری مسئول و متهم ردیف اول کشتار کارگران در حین کار می باشند. برای پایان دادن به این وضعیت در قدم اول باید نظام گنبدیده و ضد کارگر سرمایه داری اسلامی، حکومت دزدان و قاتلان کارگران را به زیر کشید.



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker Communist Party of Iran
www.wpiran.org

انسانی از زندگی را مینا قرار داد نه بی حقوقی و فقر و فلاکتی که سرمایه و دولت آدمکش اسلامی به طبقه کارگر تحمیل کرده است.

اما آنچه قابل دریافت و حصول است در اساس محصول قدرت و توان طبقه کارگر در هر شرایطی است. دستمزد تعیین شده در هر دوره محصول مبارزه و کشمکش است. محصول توازن قوای میان کارگر و کارفرما و قدرت عمل سیاسی و اعتراضی کارگر در جامعه است. اگر تلاش اعتراضی در این وضعیت برای تعیین دستمزد سازمان داده نشود، اگر رهبران عملی کارگران در مراکز عمده کارگری پا پیش نگذارند، اگر سازمان ندهیم، اگر متحد و متشکل نشویم، میزان دستمزد را نیز نمایندگان سه گانه ارتجاع، کارفرما، دولت و تشکل های دست ساز دولتی و اسلامی تعیین خواهند کرد. همانطور که تاکنون کرده اند. اما این وضعیت میتواند با تلاش آگاهانه فعالان و رهبران رادیکال و سوسیالیست کارگری تغییر کند. کارگر نیازمند تشکل و اهرم دخالتگری گسترده و توده ای خود در این جدال است. نیروی اصلی این جنبش کارگران شاغل و بیکار است. مجامع عمومی کارگری است، اتحاد کارگر شاغل و بیکار شرط پیشروی این جنبش است. مجمع عمومی کارگران ظرف سازمانی و پایه ای چنین جنبشی است. از هم اکنون باید دست به کار شد.

در خاتمه: فراخوان ما به همه کارگران رادیکال سوسیالیست و رهبران عملی کارگری این است که دست بکار شوید. مجامع عمومی خود را فرا بخوانید. کارگران را متشکل کنید. مساله تعیین دستمزد، مبنای و شاخص های آن و رقم مورد نظر خود را به پرچم مطالبات اقتصادی فوری خود تبدیل کنید. زمان تغییرات بزرگ و اساسی است. این مبارزات را باید بهم گره زد. تغییرات اساسی جامعه در گرو دخالت متشکل و متحد کارگر سازمانیافته است. نقشی که امروز کارگران ایفاء میکنند سرنوشت جامعه و آینده را رقم خواهد زد. این آینده را باید از هم اکنون با تمام قدرت ساخت. فردا را باید از آن خود کرد.

کارگران در سال ۹۶

شهلا دانشفر



شدند دو ماه دستمزد و عیدی خود را بگیرند.

سال ۹۶، سال جلو آمدن بیشتر رهبران کارگری در صف جلوی مبارزات کارگری و مقابل چشم جامعه بود. يك نمونه درخشان سخنرانی تاریخی اسمائیل بخشی از رهبران کارگران در نیشکر هفت تپه است. او از دردهای کارگران سخن گفت. مقامات مسئول را زیر سوال برده و اعلام کرد که اگر نمیتوانید کارخانه را اداره کنید، بروید کنار، خودمان اداره اش میکنیم و بعد هم گفت که از طرف ۵ هزار کارگر شاغل در این کارخانه سخن میگوید و اگر جواب نگیرند، اعتصاب ادامه خواهد داشت و اعتصاب ادامه پیدا میکند.

سال ۹۶ همچین سال فراخوان دادند بی وقفه از پیشی کارگران به اعتراضات سراسری بود. نمونه های درخشان را در اعتراضات سراسری بازنشستگان، مخابرات، راه آهن، کیان تایر، صنایع فولاد، معلمان، کارگران فشار برق قوی، گروه فولاد ملی اهواز و صدها مورد دیگر دیدیم. این کار به یمن متشکل شدن کارگران در گروههای تلگرام در مدیای اجتماعی و اتحاد آنها بر سر خواستههای مبارزاتی شان در این گروهها صورت گرفته و به کارگران امکان داده است که سازمانیافته و قدرتمند به تدارک اعتراضات گسترده و سراسری خود بروند.

سال ۹۶، سال به میدان آمدن بیشتر نیروی جوان بیکار در اعتراض به بیکاری و جلو آمدن با خواست کار یا بیمه بیکاری بود. نمونه های قابل توجه آنها در شهرهای آبادان، اسلامشهر، خرمشهر، بجنورد شاهد بودیم. انعکاس این اعتراضات در خیزش انقلابی مردم در دیماه با شعار مرگ بر گرانی، مرگ بر بیکاری خود را به نمایش گذاشت.

سال ۹۶، سال همبستگی گسترده تر کارگری و قرار گرفتن بیشتر کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، پرستاران در مبارزاتشان در کنار یکدیگر

اهواز قیامت میشه، مرگ بر ستمگر، زنده باد کارگر، کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد صحنه پرشوری از مبارزه را خلق کردند.

سال ۹۶، سال به میدان آمدن قویتر خانواده ها در مبارزات کارگری بود از جمله در جایی چون نیشکر هفت تپه همسر یکی از کارگران همچون رهبری کارگری پشت تریبون قرار گرفت و از خواستههای کارگران سخن گفت.

سال ۹۶، سال به چالش کشیدن نیروی سرکوب حکومت در اعتراضات کارگری با شعار نه تهدید، نه سرکوب، دیگر فایده ندارد و بلند شدن شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد، کارگر زندانی آزاد باید گردد، در اعتراضات کارگران، معلمان، بازنشستگان و مردم معترض بود. از جمله در سال گذشته ما شاهد نمونه هایی بودیم که وقتی کارگر را دستگیر میکردند، همه کارگران با اعتصاب متحدانه خود می ایستادند و دستگیرشدگان را از چنگ حکومت خارج میکردند. نمونه هایش را در هفته تپه، گروه ملی، و بسیاری از دیگر مراکز کارگری شاهد بودیم.

سال ۹۶، سال وارد عمل مستقیم شدن کارگران در برابر قلدری های صاحبان سرمایه و دولت حامی آنان و بساط دزدسالاری حاکم بود. در جاهایی چون کمباین سازی تبریز، هپکو، گروه ملی فولاد اهواز، نیشکر هفت تپه و مواردی دیگر از این دست کارگران دیگر منتظر وعده و وعید نشده و با گرفتن جلوی خروج تولید و اقدام به فروش ضایعات و یا ماشین آلات کارخانه تلاش میکردند، خودشان طلبهایشان را نقد کنند. زیر این فشار بود که در بسیاری جاها دیدیم که چگونه قدم به قدم مقامات مسئول عقب رانده شده و کارگران موفق به نقد کردن دستمزدهای به سرقت رفته شان میشدند. آخرین نمونه آن گروه ملی فولاد اهواز بود که بعد از بیست و شش روز اعتراض کارگران موفق

سال ۹۶ با اعتراضات قدرتمند کارگران در کارخانجاتی چون گروه ملی فولاد اهواز، نیشکر هفت تپه، هپکو و آذر آب اراک در کنار مبارزات بی وقفه کارگران در کارخانجات مختلف در سراسر کشور و تجمعات سراسری بازنشستگان و صدها نمونه دیگر از این دست سالی فراموش نشدنی است.

در سال ۹۶ کارگران هپکو بی وقفه جنگیدند و با سردادن سرود آزادگی، سرود زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادگی، صدای اعتراض کل جامعه را فریاد زدند. از جمله این کارگران در اعتراضاتی که در مهرماه ۹۶ همروش با کارگران آذربایجان داشتند، پیگیر مطالباتشان شدند و وقتی رژیم اسلامی با نیروی سرکوبش وارد میدان شد، جانانه در برابر سرکوبگران حکومت ایستادند. اعتراضات قدرتمند کارگران این دو کارخانه در آن مقطع در شهر اراک توانست موجی از همبستگی کارگری را همراه داشته باشد و این اتفاق خود به اتفاق مهمی در جنبش کارگری در سال گذشته تبدیل شد.

سال ۹۶، سال درخشش بازنشستگان با تجمعات سراسری هزاران نفره شان از جمله تجمع ۱۵ هزار نفره آنان در نوزده آذر ماه در مقابل مجلس اسلامی بود. روزی که طنین شعارهای کوبنده آنان در مقابل مجلس، این روز را به عنوان روزی تاریخی در مبارزات بازنشستگان به ثبت رساند.

سال ۹۶ سال مبارزات بی وقفه کارگران گروه ملی فولاد اهواز بود که دور آخرش در اسفند ماه بیست و شش روز طول کشید و کارگران با مارش هر روزه قدرتمندشان در خیابان های اهواز، فضای دیگری به این شهر دادند. یکی از صحنه های با شکوه اعتراضات این کارگران مارش آنان در روز ۱۲ اسفند همراه با خانواده ها بود که در صفا هزاران نفره در وسط شهر حرکت کردند و با شعارهایی چون حساب ما پر نشده،

ستون ویژه این هفته را با شادباش نوروزی آغاز میکنم. سال ۹۶ را پشت سر گذاشتم. سالی که تا آخرین روزهایش جدال بی وقفه کارگران برای نقد کردن دستمزدهای به سرقت رفته شان و برای داشتن يك زندگی انسانی ادامه داشت و کارگران با اولتیماتوم به ادامه اعتراضاتشان به تعطیلات نوروزی رفتند. به بهانه شروع سال جدید، نگاهی بسیار گلزا به سال گذشته بیندازیم.

سال ۹۶، سال سربلند کردن دوباره جنبش سرنگونی بود که با خیزش انقلابی مردم در دیماه خود را نشان داد. خیزشی که با شعارهایی چون مرگ بر گرانی، مرگ بر بیکاری سربلند کرد و روز دومش مردم با شعار جمهوری اسلامی نمیخواهیم به خیابان آمدند.

يك فاکتور مهم در وقوع چنین اتفاق شورانگیزی پیشروی های جنبش کارگری در سالهای اخیر و شتاب این پیشروی ها در سال ۹۶ است. اعتراضات دیماه مردم در خیابان ادامه نیافت، اما سیر رو به جلو و قدرتمند جنبش کارگری از یکسو و از سوی دیگر به میدان آمدن دختران انقلاب با برافراشتن حجابهایشان و نه گفتن به بساط آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی، اعتراضات مردم در کل جامعه را وارد دور جدیدی کرد. بویژه اعتراضات هر روزه کارگری، تجمعات اعتراضی هر روزه کارگران در مقابل مراکز دولتی و راهپیمایی های اعتراضی آنان نقش مهمی در به تحرک در آوردن فضای سیاسی جامعه داشته است.

از همین رو سال ۹۶ يك نقطه عطف در جنبش کارگری و در واقع در اعتراضات کل جامعه است. نگاهی گلزا به جنبش کارگری در سال ۹۶ به روشنی جایگاه آنها در سیر تحولات جامعه نشان میدهد. سال ۹۶، سال گسترده ترین اعتراضات کارگری بود. اعتراضاتی که نه تنها به لحاظ کمی بلکه به لحاظ کیفی متفاوت از هر سال بود.

بود. نمونه هایی از آن اعلام همبستگی با قربانیان معدن زمستان یورت، موج وسیع کمک رسانی مردم از شهرهای مختلف به مردم زلزله زده غرب کشور، حمایت از مبارزات کارگران هپکو و آذربایجان هنگامیکه مورد تعرض نیروی سرکوب رژیم قرار گرفتند و حمایت از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه است. نمونه های دیگرش بیانیه های جمعی تشکلهای کارگری در رابطه با خواست افزایش دستمزدها، در رابطه با اعتراضات مردمی در دیماه، بیانیه های کارگری در حمایت از دختران انقلاب، بیانیه هایی در حمایت از دستگیر شدگان اعتراضات مردمی در دیماه با خواست آزادی آنان و نمونه های دیگری از این دست است.

سال ۹۶ سال سر بلند کردن قدرتمند تر جنبش بر سر خواست افزایش دستمزدها بود. از جمله ۹ تشکل کارگری چون انجمن صنفی برق و فلز کرمانشاه، اتحادیه آزاد کارگران ایران، کانون مدافعان حقوق کارگر، کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری و اتحادیه نقاشان استان البرز در يك بیانیه و کارگران سندیکای شرکت واحد، سندیکای نیشکر هفت تپه و گروه اتحاد بازنشستگان در بیانیه مشترک دیگری بر این خواست تاکید کردند. همچنین يك بند قطعنامه بازنشستگان در تجمع اعتراضی سوم اسفند آنان در مقابل مجلس نیز به این خواست اختصاص داشت. قبلا نیز جمع هایی از کارگران همچون کارگران پروژه های پارس جنوبی، جمعی از کارگران پتروشیمی های منطقه ماهشهر و بندر امام، فعالان کارگری جنوب، فعالان کارگری شوش و اندیشمک، جمعی از کارگران محور تهران - کرج از این خواست اعلام حمایت کرده بودند. در

بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد حداقل دستمزد سال ۹۷ خواست حداقل دستمزد بالای ۵ میلیون تومان را به پرچم اعتراض خود تبدیل کنیم

داده اند و به موازات این عوامل، امروز کل جامعه در کنار کارگران و در مقابل حکومت اسلامی و سران دزد و جنایتکار آن قد علم کرده و موقعیت مساعدی برای مقابله با سرمایه داران و حکومت اسلامی شان و علیه تصمیم جنایتکارانه آنها در مورد دستمزد فراهم شده است. در هفته های گذشته دهها تشکل کارگری در بیانیه های خود خواهان دستمزد ۵ میلیون تومان شده اند و این میتواند پرچم کلیه کارگران و معلمان و بازنشستگان در سراسر کشور باشد. این خواست فراگیری است که میتواند عامل اتحاد کلیه مراکز کارگری، معلمان و بازنشستگان در سراسر کشور باشد. حول این خواست متحد شویم، صفوف مان را فشرده تر سازیم و خود را برای گسترش اعتصاب و اعتراض علیه تصمیم شورایی عالی کار و با خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان آماده سازیم. پیاپییم و اجازه ندهیم مشت دزد و مفتخور و غیر انسان، ما را، کودگانمان را، سالخوردهگانمان را از همه چیز محروم کنند. شرایط برای پیشروی ما و تحمیل خواست هایمان به دشمنان مان بیش از همیشه آماده است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱ فروردین ۱۳۹۷، ۲۱ مارس
۲۰۱۸

اند. آنها اعتصابات و تجمعات پرشور و خستگی ناپذیر کارگران در مراکز مهم صنعتی در سراسر کشور را می بینند و توان مقابله با آنها را ندارند. خشم عمیق اکثریت عظیم مردم را، که از دیمه علیه نظام نکبت اسلامی وارد مرحله تازه ای شده است، هر لحظه و در همه جا می بینند و علیرغم بکارگیری چماق بدستان و قمه کشان و زندان و جریمه توان ساکت کردن مردم را ندارند. اعتراض وسیع زنان و جوانان را می بینند، اما نمیتوانند مانع گسترش آن شوند. آنها موقعیت بحرانی خود را، اقتصاد ورشکسته و صفوف بهم ریخته خود را می بینند و مدام به هم هشدار میدهند، اما هیچ راه حلی برای کاهش آن ندارند. اما کارگران صفوفشان متحدتر و مستحکم تر شده است. در طول سالیان گذشته تجارب ارزنده ای کسب کرده اند، هزاران رهبر کارگری در خلال مبارزات بی وقفه کارگران پا به صحنه گذاشته اند، در برخی عرصه ها موفق به سازماندهی اعتصابات و تجمعات سراسری شده اند، خانواده های کارگری به تجمعات اعتراضی پیوسته اند، با راهپیمایی های خود و شعارهای کوبنده علیه مفتخوران و حقوق های نجومی شان توجه وسیع جامعه را به خود جلب کرده اند، ملیای اجتماعی را به خدمت گرفته اند و شبکه های سراسری خود را سازمان

افزایش حداقل دستمزد حدود بیست درصد توسط شورایی عالی کار بیشک خشم همه کارگران را برانگیخته و البته هیچکس انتظار دستمزدی برای تامین حداقل زندگی نه از دولت و نه پادوهای شوراهای اسلامی شان نداشت. آنها هر سال در اطاق های درسته میشینند و ادای مذاکره و توافق درمیآورند و تصمیم جنایتکارانه شان را در مقابل میلیون ها خانواده کارگری که به گرسنگی کامل سوق داده اند، اعلام میکنند. آنها حتی همین دستمزدهای شرم آور را هم برای پرورار شدن بیشتر و افزودن بر حقوقهای نجومی شان بالا میکشند و اعتراض کارگر را با زندان پاسخ میدهند. اما امسال شرایط برای مقابله کارگران با دولت و کارفرمایان مساعدتر از همیشه است. باید عزم کنیم که نه فقط این دستمزدهای زیر خط فقر بلکه کل سیستم و حکومتی که کارگر را سالهاست به شرایطی جهنمی محکوم کرده است، از صحنه جامعه جارو کنیم. رفاه و آزادی و عدالت و یک زندگی انسانی حق بی چون و چرای فرد فرد ماست. تک تک مقامات در وحشت خیزش مجدد و بزرگتر کارگران به سر میبرند. اینرا همه آنها از مقامات دولتی تا فرماندهان اوپاش سرکوبگر و کارشناسانشان طی دو ماه اخیر بارها و بارها اعتراف کرده

حاکم جانباختند. یک نمونه فاجعه بارش در اردیبهشت ۹۶ در معدن زمستان یورت اتفاق افتاد. یاد جانباختگان معدن زمستان یورت، یاد جانباختگان انفجار در کارخانه فولاد بویر احمد، یاد جانباختگان در پتروشیمی ها و عسلویه و یاد همه کسانی که قربانیان این جنایت آشکار هر روزه در محیط های کارند، گرامی باد.

همچنین یاد کولبرانی که در مرزهای کشور بدست جانبیان اسلامی به قتل رسیده اند، یاد مظفر عباسی دستفروشی که در مرداد ماه سال گذشته به دست پنجه بکس بدستان شهرداری کشته شد گرامی باد. در این شروع سال جدید به خانواده های این عزیزان بار دیگر تسلیت میگویم.

و بالاخره یک اتفاق ناگوار دیگر در سال گذشته جانباختن عزیز محمد جراحی کارگر رزنمنده، کمونیست و چهره محبوب کارگری و از کادرهای برجسته حزب کمونیست کارگری ایران است. او در ۱۳ مهر ماه به دلیل ابتلا به بیماری سرطان جان خود را از دست داد. او در همان دورانی که در زندان بود به بیماری سرطان مبتلا شده و از هرگونه درمانی محروم بود و در واقع بدست حکومت اسلامی به قتل رسید. در گذشت محمد جراحی به راستی ضایعه بزرگی برای جنبش کارگری و برای حزب ما بود. یادش گرامی باد. محمد جراحی جانباخت اما تا روز آخر زندگی نقش ارزشمند خود را به عنوان یک رهبر کمونیست کارگری ایفا کرد. او اعلام کرد که برای پیروزی سوسیالیسم حزب لازمست و خودش به حزب کمونیست کارگری ایران پیوست. او با این کارش تابویی را شکست و گفتمان بر سر حزبیت را به گفتمانی فعال در جنبش کارگری تبدیل کرد. زنده باد محمد جراحی.

آخرین روزهای سال نیز ۷۰ انجمن و کانون صنفی کارگران ساختمانی طی بیانیه ای به دستمزدهای زیر خط فقر اعتراض کرده و اعلام کردند که اگر خط فقر ۴ میلیون است، دستمزدها باید بالاتر از این رقم باشد و دیگر حاضر به ادامه وضعیت برده وار کنونی نیستند. قبلا نیز شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان در همین رابطه بیانیه داده بود. زیر فشار این کارزار قدرتمند که انعکاسی از اعتراض کلی جامعه به فقر از یکسو و حقوقهای نجومی از سوی دیگر است، مخمصه و استیصال حکومتیان را در تعیین میزان حداقل دستمزد سال آتی شاهد بودیم.

و خلاصه کلام اینکه کارگران در سال ۹۶ با شعارهایی چون حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی، اختلاس کم بنشه، مشکل ما حل میشه، توپ، تانک، فشفشه، اهواز قیامت میشه، ملک نجومی تو، ما را بی مسکن کرده، کارگر می میرد، ذلت نمپنیزد، همش میگن، آمریکا، دشمن ما همین جاست، ما کارگریم، نه برده، حقوق میخوایم نه وعده، تا حقمون رو نگیریم، از پا نمی نشینیم، نه تهید، نه سرکوب، دیگر فایده ندارد، مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر، کارگر زندانی آزاد باید گردد، دزدا بیرون، کارگران زندان، ما کارگریم، نون می خوایم، دوا و درمون می خوایم، اعتراض خود را علیه فقر، تبعیض، نابرابری، سرکوب و زندان، اختلاس ها اعلام کرده و کل توحش سرمایه داری حاکم را به چالش کشیدند.

نگاهی به این تصویر مختصر، اما شورانگیز از آنچه که در سال ۹۶ در جنبش کارگری گذشت، جایگاه واقعی آن را در روند سیاسی اوضاع کل جامعه به روشنی نشان میدهد.

اما اجازه بدهیم اشاره ای هم به وجه تاسف بار اتفاقات سال ۹۶ داشته باشیم. یک مورد دردناکش قتل و جنایتی است که هر روزه در محیط های کار شاهدش هستیم. مورد دیگرش جنایاتی چون قتل کولبران بدست جانبیان اسلامی است. از جمله در سال گذشته نیز همچون سالهای قبل شمار زیادی از کارگران در محیط های کار به خاطر تبدیل شدن آنها به قتلگاه کارگران و بخاطر بریریت و توحش سرمایه داری

fb.com/
wpiran/

مذهب در ایران از دولت، از سیستم
قضائی، و از آموزش و پرورش
باید کاملاً جدا شود.

آزادی کامل مذهب و بی مذهبی
بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
در ایران باید تضمین شود.



کارگران به دستمزدهای چند بار زیر خط فقر اعتراض دارند

تشکل های کارگری: حداقل دستمزد ۵ میلیون

ما به دستمزد پایین تر از خط فقر برای کارگران نه میگوییم!

فقر است.

امسال فریاد بلند کارگران بیشتر از هر زمان دیگری گوش های سنگین مسولان را به لرزه در آورد است. اعتصاب و اعتراض کارگران باید منجر به زندگی با رفاه بیشتر در این جامعه برای کارگران شود. این درد دل دلهای زخم دیده ایست که دیگر نمی خواهند با فقر، بی عدالتی، تبعیض و نابرابری دست و پنجه نرم کنند.

(به زبان ساده بگوییم اگر سری به آمار و جداول بزنیم میزان خط فقر برای يك خانوار چهار نفر نزدیک به چهار میلیون تومان است پس ما خواهان دستمزد بالاتر از خط فقر هستیم)

۱-انجمن صنفی کارگران ساختمانی کامیاباران ۲-انجمن صنفی کارگران ساختمانی میروان و سروباد ۳-کانون کارگران ساختمانی استان قم ۴-انجمن صنفی کارگران ساختمانی بانه ۵- انجمن صنفی کارگران ساختمانی دهگلان ۶- انجمن صنفی برقکاران کرمانشاه ۷- انجمن صنفی آرماتور بند شهرستان شهریار ۸- انجمن صنفی کارگران ساختمانی بوکان ۹- انجمن صنفی کارگران ساختمانی ابهر و خرمدره ۱۰- انجمن صنفی کارگران ساختمانی تهرده ۱۱- انجمن صنفی کارگران ساختمانی آبادان ۱۲- انجمن صنفی کارگران ساختمانی هویزه ۱۳- انجمن صنفی کارگران ساختمانی گتوند خوزستان ۱۴- انجمن صنفی کارگران ساختمانی میانرودان ۱۵- انجمن صنفی کارگران ساختمانی نی ریز ۱۶- انجمن صنفی کارگران ساختمانی رشت ۱۷- انجمن صنفی کارگران ساختمانی شوش دانیال ۱۸- انجمن صنفی کارگران ساختمانی سیزوار ۱۹- انجمن صنفی کارگران ساختمان بوئین زهرا ۲۰- انجمن صنفی کارگران ساختمانی خرمدره زنجان ۲۱-

انجمن صنفی کارگران ساختمانی کامش ۲۲- انجمن صنفی کارگران ساختمانی خراسان جنوبی ۲۳- انجمن صنفی کارگران ساختمانی بندر امام خمینی ۲۴- انجمن صنفی کارگران ساختمانی کازرون ۲۵- انجمن صنفی کارگران ساختمانی گرمسار ۲۶- انجمن صنفی کارگران ساختمانی تبریز ۲۷- انجمن صنفی کارگران ساختمانی کرمان ۲۸- انجمن صنفی کارگران ساختمانی دورود ۲۹- انجمن صنفی کارگران خباز میروان و سروباد ۳۰- انجمن صنفی کارگران ساختمانی بندر انزلی ۳۱- انجمن صنفی کارگران ساختمانی خنج فارس ۳۲- انجمن صنفی کارگران ساختمانی خراسان رضوی ۳۳- انجمن صنفی کارگران ساختمانی فیروزآباد فارس ۳۴- انجمن صنفی کارگران ساختمانی مراغه ۳۵- انجمن کارگران ساختمانی اسلام گیلان ۳۶- کانون کارگران ساختمانی خوزستان ۳۷- انجمن صنفی کارگران اسفالت کار و عایق کار تهران ۳۸- انجمن صنفی کارگران ساختمانی مرودشت ۳۹- کانون کارگران ساختمانی خراسان رضوی ۴۰- انجمن صنفی کارگران ساختمانی کاشان ۴۱- انجمن صنفی کارگران ساختمانی قوچان ۴۲- انجمن صنفی کارگران ساختمانی نیشابور ۴۳- انجمن صنفی کارگران ساختمانی خروزرخان(خراسان رضوی) ۴۴- انجمن صنفی کارگران ساختمانی شهرستان رضوانشهر گیلان ۴۵- انجمن صنفی کارگران نقاش پاکدشت ۴۶- انجمن صنفی کارگران ساختمانی فردیس البرز ۴۷- انجمن صنفی کارگران ساختمانی خلیل آباد ۴۸- انجمن صنفی کارگران ساختمانی دلیجان ۴۹- انجمن صنفی کارگران ساختمانی تربت حیدریه ۵۰- انجمن صنفی کارگران ساختمانی اصفهان ۵۱- کانون انجمن کارگران ساختمانی خواف ۵۲- انجمن

صنفی کارگران ساختمانی سرآسیاب ملارد ۵۳- انجمن صنفی کارگران ساختمانی اردبیل ۵۴- انجمن صنفی کارگران ساختمانی البرز قزوین ۵۵- انجمن صنفی کارگران ساختمانی خمین ۵۶- انجمن صنفی کارگران ساختمانی قاینات خراسان ۵۷- انجمن صنفی کارگران ساختمانی مشهد ۵۸- انجمن صنفی کارگران ساختمانی خروزرخان ۵۹- انجمن صنفی کارگران ساختمانی بینالود ۶۰- انجمن صنفی کارگران ساختمانی تربت جام ۶۱- انجمن صنفی کارگران ساختمانی بردسکن ۶۲- انجمن صنفی کارگران ساختمانی تقاب ۶۳- انجمن صنفی کارگران ساختمانی جوین ۶۴- انجمن صنفی کارگران ساختمانی تایباد ۶۵- انجمن صنفی کارگران ساختمانی درگز ۶۶- انجمن صنفی کارگران ساختمانی فیروزه ۶۷- انجمن صنفی کارگران ساختمانی بجنود ، مانه و سلمقان ۶۸- انجمن صنفی کارگران ساختمانی قاین ، فردوس و سرایان ۶۹- کانون کارگران ساختمانی خوزستان ۷۰- کانون کارگران ساختمانی خراسان رضوی لازم به ذکر است که هرکدام از کانونها متشکل از جند انجمن در سطح استان خودشان میباشند و همچنین از شماره ۵۳ الی شماره ۷۰ بعد از انتشار این بیانیه در ۱۷ اسفند ۱۳۹۶ به این بیانیه افزایش دستمزدها پیوسته اند.

۹۶/۱۲/۲۶

بیانیه مشترک در باره حداقل دستمزد در سال ۱۳۹۷

روند تصمیم گیری در باره تعیین حداقل دستمزد ۱۳۹۷ و افزایش عمومی مزدها در شرایطی آغاز می شود که به گفته ی برخی از دست اندرکاران دولتی کارد به استخوان

مردم، بویژه کارگران و حقوق بگیران رسیده است. امسال نیز، مانند سال های گذشته، در مذاکرات مربوط به مزد و تصمیم گیری در مورد یکی از بنیادی ترین مسئله ی زندگی کارگران و حقوق بگیران نمایندگان واقعی آن ها حضور ندارند، و به روال سال های گذشته، مقامات دولتی و نمایندگان کارفرمایان در نهادهای تعیین مزد يك جانبه به نفع دولت و کارفرمایان تصمیم می گیرند. در سال ۱۳۹۶، باز هم قدرت خرید کارگران به شدت سقوط کرده، ایمنی کار و اطمینان به آینده، بیش از پیش به وخامت گرائیده و يکه تازی و خودکامگی کارفرمایان بنگاه های خصوصی و دولتی، که از حمایت دستگاه های قضائی و انتظامی و امنیتی برخوردارند، ابعاد گسترده تر و خشن تری به خود گرفته است. هر اعتراض کارگری به شرایط نامناسب در محیط کار با برخورد امنیتی و پلیسی مواجه می شود. جمعیت بیکاران به ۶ میلیون نفر می رسد که اکثریت مطلق آنها حقوق بیکاری دریافت نمی کنند. به رغم وعده های داده شده در مورد ایجاد اشتغال، هر روز بر شمار انبوه بیکاران افزوده می شود. حقوق صدها هزار کارگر در بنگاه های صنعتی و اداری خصوصی و دولتی ماه ها به تعویق می افتد و کارفرماها با استفاده از ظرفیت های نهفته در قانون و حمایت دستگاه قضائی از پرداخت مزد نیروهای کار سرباز زده و کارگران معترض را اخراج و به شلاق و زندان محکوم می کنند. انواع تبعیض های جنسیتی، مذهبی، ملی و قومی در محیط کار بیداد می کند. استفاده ی غیر انسانی از کار کودکان و بازنشستگان با مزدهایی بسیار کمتر از حداقل مصوب و همچنین با اعمال دستمزدهای نابرابر به زنان کارگر نسبت به مردان و اعمال ستم مضاعف بر بخش بزرگی از طبقه

کارگر، بر شدت سرکوب دستمزدها می‌افزاید.

در بحث حداقل دستمزد کارگران و سطح عمومی مزدها در ایران، با واقعیت‌های انکار ناپذیری روبرو هستیم که بر زندگی تمامی حقوق بگیران حاکم است و به روشنی تمام خود را نشان می‌دهد؛ برخی از آنها چنین‌اند:

۱- طبق سند بررسی هزینه خانوار بانک مرکزی برای سال ۱۳۹۵، متوسط هزینه ی یک خانوار شهری با میانگین ۳/۳۳ (سه و سی و سه صدم) نفر معادل ۳ میلیون و ۲۷۵ هزار تومان در ماه اعلام گردید. این مبلغ برای خانوار شهری ۴ نفره به بیش از ۳ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان در ماه می‌رسد.

به منظور برآورد مزد و حقوق لازم برای تأمین زندگی یک خانوار شهری ۴ نفره در سال ۱۳۹۷، باید تورم سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ را هم در محاسبه بگنجانیم. در این صورت حداقل دستمزد لازم برای تأمین زندگی یک خانوار ۴ نفره در سال ۱۳۹۷ به ۵ میلیون تومان در ماه بالغ می‌گردد. اقتصاد ایران به رغم تمام نابسامانی‌ها و کاستی‌هایش توان پرداخت چنین مزدی را دارد و توجیهات مقامات دولتی در رابطه با عدم توان پرداخت این مبلغ فریبکاری‌ای بیش نیست.

۲- بانک مرکزی و مرکز آمار هر سال تورم را کمتر از تورم واقعی اعلام می‌کنند. حتی اگر از سال ۱۳۵۸ تاکنون مزدها به تناسب تورمی که بانک مرکزی اعلام می‌کند افزایش یافته بودند باز هم دستمزد حداقلی که به این ترتیب برای سال ۱۳۹۷ ممکن است تعیین گردد از خط فقر مطلق در این سال که ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان می‌باشد؛ پایین‌تر خواهد بود.

۳- حداقل دستمزد، و به طور کلی سطح مزدها در ایران، یکی از پائین‌ترین‌ها در جهان است و این در حالی است که قیمت بسیاری از اقلام کالاهای مصرفی و خدمات - حتا دولتی- با قیمت‌های جهانی برابری می‌کند.

✓ با توجه به همه آنچه گفته شد از نظر امضا کنندگان این بیانیه، حداقل دستمزد سال ۱۳۹۷ نمی‌تواند از ۵ میلیون تومان در ماه کمتر باشد.

ما از همه کارگران، معلمان، پرستاران و دیگر کارکنان بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها، از تمام کارمندان زحمتکش مؤسسات خصوصی و دولتی، از تمام بازنشستگان در سراسر کشور دعوت می‌کنیم خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان را با همه کارگران و مزدبگیران به پیش ببرند و بحق بودن، ضرورت و امکان آن را توضیح دهند.

سندیکای کارگران اتویوسرانی تهران و حومه
سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه
گروه اتحاد بازنشستگان
۱۵ بهمن ۱۳۹۶
کمیته هماهنگی نیز طی بیانیه‌ای از بیانیه سه تشکل فوق و خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون حمایت کرد.

بیانیه تشکلهای مستقل کارگری پیرامون تعیین حداقل مزد سال ۱۳۹۷

هنوز مدت کوتاهی از خیزشهای مردمی در سطح کشور علیه گرانی و فقر و فلاکت سپری نشده است که نهادهای دست‌ساز کارگری و دولت و کارفرمایان، خیمه شب‌بازهای هر ساله خود را برای تعیین حداقل مزد آغاز کرده‌اند و با همان سبک و سیاق همیشگی و نشانند چند مترسک در مقام نماینده کارگران در نهادی به نام شورایی عالی کار، در صدد تحمیل حداقل مزد چندین برابر زیر خط فقر به میلیونها کارگر و مزد بگیر زحمتکش هستند.

روندی که طی هفته‌های گذشته در مورد چگونگی تعیین حداقل مزد سپری شده است بیانگر این است که در به همان پاشنه سابق خواهد چرخید و پس از چند صبحی معرکه گیری توسط نهادهای دست‌ساز کارگری، نماینده‌های آنان امضای خود را به پای حداقل مزد چندین برابر زیر خط فقر خواهند گذاشت.

پیشبرد چنین سیاستهایی در طول دهه‌ها و سالهای گذشته، دیگر چیزی جهت از دست دادن برای طبقه کارگر ایران باقی نگذاشته است که حال تقاضای ریاکارانه نهادهای دست

ساز کارگری برای تعیین سبد هزینه زندگی و طرح برخی واقعیات از سوی آنان و رسانه‌های حکومتی بتواند به عنوان سویاپ اطمینان و ترمیزی در مقابل مطالبه‌گری کارگران، اعتراضات خیابانی آنان و توده‌های مردم زحمتکش به جان آمده از وضعیت موجود عمل کند.

تعیین دستمزد به روال سالهای گذشته و افزایش ده - پانزده درصدی حداقل مزد کنونی، در حالی که این مبلغ در شرایط حاضر کفاف هزینه ده روز زندگی یک خانوار چهار نفره را نمیدهد و تا به همینجای سال، ارزش دلار بیش از ۳۰ درصد بالا رفته است و بزودی این افزایش قیمت بر روی سفره‌های ما کارگران خود را نشان خواهد داد معنایش چیزی جز لگد مال کردن تمام و کمال منزلت انسانی ما کارگران، گرسنگی مفرط فرزندانمان، باز ماندن آنان از تحصیل، گسترش پدیده کودکان کار، یاس و درماندگی از گذران زندگی و افزایش خودکشی‌ها، گسترش پدیده زیاده‌گرایی و کارتن‌خوابی و تن‌فروشی و کلیه فروشی و سلب حق حیات از ما کارگران نیست.

از نظر ما امضا کنندگان این بیانیه و طبقه کارگر ایران، اعضای شورایی عالی کار از نماینده‌های دست‌ساز کارگری تا نماینده‌های کارفرمایان و وزیر کار با معرکه‌گیری‌هایی که بر سر تعیین سبد هزینه و حداقل مزد انجام میدهند و دست آخر امضای خود را به پای حداقل مزد چندین برابر خط فقر می‌گذارند همگی شریک جرم مصائب بی‌شماری هستند که با حداقل مزد زیر خط فقر، زندگی میلیونها خانواده کارگری را در خود فرو می‌برد.

این واقعیت‌عریان که نماینده‌های مجلس و مدیران دم‌و دست‌گاہ دولتی و نهادهای شبه دولتی و وابسته به حوزه قدرت از حقوقهای نجومی برخوردارند و غارت و چپاول ثروتهای اجتماعی توسط آنان بیداد میکند و در این طرف، حکومتگران برای برخورداری ما کارگران از یک زندگی بخور و نمیر هزار و یک‌بهاره می‌تراشند و صدها میلیارد تومان خرج نیروی سرکوب برای به تمکین واداشتن ما به زندگی با دستمزد چندین برابر خط فقر میکنند، فقط یک راه پیش پای ما کارگران

می‌گذارند و آن سازماندهی و دست بردن به اعتصابات و اعتراضات سراسری است.

اعتراضات و اعتصابات محلی و سراسری برای دست‌یابی به دستمزدی مطابق با استانداردهای زندگی امروز بشر حق مسلم ما کارگران است و ما امضا کنندگان این بیانیه بدینوسیله با تأکید بر تداوم و تشدید مبارزاتمان علیه تصویب حداقل مزد چندین برابر زیر خط فقر، از عموم کارگران در سراسر کشور، بویژه کارگران صنایع کلبی همچون نفت و گاز و پتروشیمی، صنایع خودروسازی و فولاد و معادن نیز می‌خواهیم تا به نحو مقتضی و از طریق تجمع در محل کار و یا اعتصاب و اعتراض خیابانی بطور متحدهانه‌ای خواهان افزایش حداقل مزد بر مبنای سبد هزینه که امروزه ۵ میلیون تومان است، بشوند.

همچنین، ما تشکلهای مستقل کارگری امضا کننده این بیانیه به عنوان نماینده بخشهایی از طبقه کارگر ایران و فریاد حق خواهی میلیونها کارگر، با هشدار به

حکومتگران که با نادیده گرفتن خیزشهای مردمی علیه گرانی و فقر و فلاکت، همچنان سیاست تحمیل حداقل مزد چندین برابر زیر خط فقر را دنبال میکنند اعلام میداریم دیگر دوران روال تاکنونی تعیین حداقل مزد و تحمیل فقر و فلاکت به طبقه کارگر ایران به سر آمده و بدیهی است پیشبرد هرگونه سیاستی جز پایان دادن به فقر و فلاکت و تمکین به مطالبات بر حق ما کارگران، با خیزشهای بزرگتر و زیر و رو کننده تری از سوی طبقه کارگر و عموم توده‌های زحمتکش مردم ایران مواجه خواهد شد.

پنجم اسفند ماه ۱۳۹۶
اسامی تشکلهای مستقل
کارگری امضا کننده به ترتیب حروف الفبا:
اتحادیه آزاد کارگران ایران
انجمن صنفی کارگران برق و فلز کرمانشاه
سندیکای نقاشان استان البرز
کانون مدافعان حقوق کارگر
کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری ایران

**تمام آمرین و عاملین
جنایات جمهوری اسلامی
در چند دهه گذشته
باید دستگیر و علنا
محاكمه شوند!**

**کلیه نیروهای
سرکوبگر
جمهوری اسلامی
باید فوراً منحل شوند.**

چرا عفرین سقوط کرد و پیامدهای آن چگونه خواهد بود؟

گفتگوی خلیل کیوان با محمد آسنگران



کردستان سوریه از دولت سوریه و جمهوری اسلامی و روسیه دور کند و کاملاً تحت کنترل خود بگیرد. اگرچه این پوست اندازی و جابجایی برای ی.پ.ک سخت خواهد بود و باعث ریزش نیروی ها آنها میشود، اما محتملترین شق این است که ی.پ.ک تماماً زیر نفوذ و فرماندهی آمریکا قرار بگیرد و آمریکا آنها را وادار کند که از پ.ک.ک فاصله بگیرند. زیرا هدف و استراتژی آمریکا این است که در قدم اول مانع این بشود که ترکیه تماماً به جبهه روسیه بپیوندد. دور کردن ی.پ.ک از پ.ک.ک به این سیاست کمک میکند. قدم بعدی سیاست آمریکا، تلاش برای کوتاه کردن دست جمهوری اسلامی از سوریه و عراق است و شکل دادن به دولتی نزدیک به آمریکا در بغداد و دمشق آرزوی است که بورژوازی آمریکا در سر دارد و برای آن تلاش میکند. این امر اما ممکن نمیشود مگر اینکه جمهوری اسلامی سرنگون گردد. با این حال و بعد از اشغال عفرین بوسیله ارتش ترکیه نمود آشکار سیاست آمریکا همچنان در پرده ای از ابهام باقی خواهد ماند تا نتیجه انتخابات عراق و تشکیل دولت جدید بغداد روشن شود. آمریکا تلاش میکند تعادل قوا در حاکمیت عراق را به نفع خود و ضرر جمهوری اسلامی تغییر بدهد. ولی در پس چنین سیاستی آمریکا میخواهد نیروهای مسلح کردستان سوریه و عراق را به هم نزدیک کند. یک دلیل سکوت آمریکا در مقابل حمله ترکیه این بود که ی.پ.ک چنان تحت فشار قرار بگیرد که ناچاراً همه اوامر و سیاستهای آمریکا را بپذیرد یعنی از پ.ک.ک فاصله بگیرد و به حزب بارزانی در کردستان عراق نزدیک شود. اگر این اتفاق بیفتد به این معنا خواهد بود که پ.ک.ک باید تماماً از جبهه جمهوری اسلامی و

آمریکا اکنون علاوه بر چندین پایگاه نظامی و اطلاعاتی دو پایگاه هوایی بزرگ در کردستان سوریه دارد و اهداف درازمدت تری از آن دنبال میکند. بنابراین ترکیه ناچار است به این حد از پیشروی در خاک سوریه رضایت بدهد. زیرا هم دامنه حکومت اقلیم کردستان سوریه را محدود کرده است و دسترسی آن به دریای آزاد را فعلاً غیر ممکن کرده است هم از این طریق احتمال عملی شدن استراتژی آمریکا را به تعویق انداخته است. علاوه بر اینها، نیروی از جریانات اسلامی تروریست در منطقه جرابلس و عفرین الباب و... در خاک سوریه مستقر کرده است که میتواند پایگاهی برای همه جریانات اسلامی تروریست سوریه باشد. ترکیه با اتکا به این جریانات میتواند از این منطقه حملات خود به مناطق دیگر تحت حاکمیت ی.پ.ک را با هدف تضعیف آن سازمان بدهد. با این تحولات سهم خواهی ترکیه از بحران سوریه و دیگر قدرتهای منطقه ای و جهانی ادامه پیدا میکند. در حالیکه ترکیه بدون توافق با روسیه و بدون سکوت رضایت آمیز آمریکا و جمهوری اسلامی و دولت اسد همین درجه از پیشروی را هم نمیتوانست در خاک سوریه داشته باشد. به این خاطر باید از این به بعد شاهد تحولاتی در صحنه نیروهای درگیر در منطقه باشیم. این تحولات میتواند ائتلافها و افتراق های تازه ای را باعث بشود.

خلیل کیوان: به ائتلاف های تازه و تغییر صحنه های سیاسی و نظامی در سوریه و به توافقات تازه و به زود بندهای دول و نیروهای درگیر در سوریه اشاره کردید. این صحنه های تازه به چه صورت خواهد بود؟

محمد آسنگران: اینکه صف بندیهای تازه چگونه خواهد بود بستگی به فاکتورهای زیادی در منطقه و جهان دارد. از هم اکنون سخت است بشود دقیق پیش بینی کرد. اما آنچه معلوم است این است که آمریکا تلاش میکند پ.ی.د و شاخه نظامی ی.پ.ک را در

نابرابر، معاملات پشت پرده قدرتهای جهانی و منطقه ای که عفرین را فروختند، مزید بر علت بود.

خلیل کیوان: ترکیه چه اهدافی را از حمله به عفرین دنبال می کند؟

محمد آسنگران: ترکیه بطور مشخص سه هدف از این عملیات دنبال میکرد. یکی تضعیف متحدین پ.ک در کردستان سوریه که تضعیف خود پ.ک محسوب میشود. دوم ممانعت از اجرایی شدن استراتژی آمریکا که اردوغان بارها گفته بود اجازه نمیدهد شمال سوریه به دریای آزاد وصل بشود. سوم اینکه در بحران سوریه همه دولت های درگیر مانند روسیه و آمریکا و جمهوری اسلامی هر کدام سهمی را عاید خود کرده اند و ترکیه هم میخواست سهمی در سوریه داشته باشد.

خلیل کیوان: آیا اردوغان قصد ادامه حمله و پیشروی بیشتر در عمق خاک سوریه را دارد؟

محمد آسنگران: تصور من این است که ترکیه تلاش میکند کل حکومت منطقه ای حزب پ.ی.د و ی.پ.ک را از بین ببرد. اما اگر موفق به این کار بشود به این معنی است که ابتدا باید آمریکا شکست سیاست خودش را در سوریه بپذیرد و این محتمل به نظر نمیرسد. زیرا

ارتش خونریز دادند و به این ترتیب مردم را قتل عام کردند. صحنه های دلخراشی که از شهر عفرین و اطراف آن منتشر شده است حاکی از این است که نیروهای بازمانده از داعش و جبهه النصره و احرار الشام و... تحت عنوان ارتش آزاد این بار با حمایت ارتش ترکیه انتقام کویانی را از عفرین گرفتند. اما این نبرد سخت و نابرابر نه پایان یک بحران، بلکه آغاز بحران تازه ای است که سوریه و حتی منطقه را وارد دوره دیگری از تخصصات کرده است که پیچیده تر از قبل خواهد بود.

جنگ کویانی و عفرین هر دو جنگی نابرابر و سخت بودند. در کویانی بدون حمایت نیروی هوایی آمریکا و موافقت علیه داعش، نیروی ی.پ.ک نمیتوانست موفق بشود و کویانی را آزاد کند. بدون کمک نیروی هوایی آمریکا سقوط کویانی هم حتمی بود. توهمات و فانتزیهایی که در مورد جنگ توده ای و... در کویانی منتشر شد را نباید جدی گرفت. ما دیدیم که نیروی ی.پ.ک در جنگ عفرین حتی مجهز تر و باتجربه تر از جنگ کویانی بود. اما در جنگ عفرین نتوانست این منطقه را از سقوط نجات بدهد. بنابراین، دلیل سقوط عفرین نیروی نابرابر در جنگ بود. علاوه بر فاکتور نیرو و تسلیحات

خلیل کیوان: عفرین علیرغم مقاومتی سخت در برابر هجوم نیروهای ترکیه و جریانات اسلامی متحد آن در سوریه تاب نیاورد و اشغال شد. همان مردم و همان نیروهایی که در کویانی قهرمانی کردند و پوزه داعش را بخاک مالیدند اینبار به عقب رانده شدند. علت آن چه بود؟

محمد آسنگران: نیروی مدافع عفرین علیرغم جنگ قهرمانانه ۵۸ روزه در مقابل دو مین ارتش ناتو و چندین جریان اسلامی تروریست بلاخره ناچار به عقب نشینی شدند. واقعیت این است که این جنگ تحمیلی به مردم عفرین و نیروهای مدافع آن، جنگی بسیار نابرابر بود. از نظر تعداد نفرات و تجهیزات نظامی و امکانات، دو طرف قابل مقایسه نبودند. ارتش ترکیه به دستور اردوغان فاشیست و بیرحم به انواع سلاحهای نظامی و توپخانه و هواپیماهای جنگی مجهز بود و بدون ملاحظه مردم این منطقه را هدف قرار دادند. نیروی مقابل آنها یعنی ی.پ.ک علیرغم تعداد بسیار کمترشان نسبت به تعداد نفرات دشمن، تنها سلاحهای سبک و نیمه سنگین را در اختیار داشتند. علاوه بر این، دولت های منطقه و دولت اسد و قدرتهای جهانی مانند آمریکا و روسیه هم چراغ سبز به اردوغان و



اسد فاصله بگیرد و تابعی از سیاستهای آمریکا در مورد ی.پ.گ بشود.

خلیل کیوان: نقش جمهوری اسلامی و رژیم اسد در این معامله چه بوده است؟

محمد آسنگران: همان زمان که ی.پ.گ در عفرین وارد معامله و بده بستان با اسد شد و میخواست دولت اسد از مرزهایش در مقابل ترکیه دفاع کند ما اعلام کردیم که اسد و جمهوری اسلامی با اعزام چند واحد بیشتر اطلاعاتی و کمتر نظامی به عفرین، قصد دفاع از عفرین را ندارند. اتفاقا همان زمان گفتیم که این نیروی تحت فرمان اسد عمدتاً نیروهایی از حزب الله و حشد شعبی و سپاه پاسداران بوده اند و کارشان عمدتاً اطلاعاتی است نه مقابله با ارتش ترکیه. نتیجه مذاکره و توافق ی.پ.گ با دولت اسد آشکارا نشان داد که جمهوری اسلامی و دولت دمشق معاملاتشان با ترکیه از قبل صورت گرفته است. نشست قزاقستان با شرکت ترکیه، روسیه و جمهوری اسلامی و متعاقباً توافقات دولتهای ترکیه جمهوری اسلامی و عراق برای مقابله با نتیجه فراندوم کردستان عراق همگی نشان از یک طرح وسیعتری داشت که مانع شکلگیری دولتهای محلی در کردستان سوریه و عراق بشوند و از این طریق عملی شدن استراتژی آمریکا در کردستان سوریه را با مانع مواجه کردند. معامله روسیه و سوریه با ترکیه برای تصرف عفرین یکی از این اقدامات بود. یکی دیگر از نتایج این معامله منطقه ای شکست فراندوم کردستان عراق بود. اما با این حال آمریکا همچنان استراتژی خودش را در شمال عراق و سوریه با سیاست محتاطانه تری پی خواهد گرفت.

خلیل کیوان: بجز نیروهای مترقی و تا حلی افکار عمومی بین المللی هیچ دولتی به حمایت از کردها نپیوست. آمریکا در کوبانی از نیروهای ی.پ.گ در مقابل داعش حمایت کرد. چرا در مورد عفرین همان سیاست را در دستور نداشت؟

محمد آسنگران: فکر میکنم در پاسخ سوالات فوق تا حلی به این مسئله اشاره کردم. اما بطور خلاصه بگویم که آمریکا از یک طرف با موانع زیادی در منطقه و در خود

هیئت حاکمه آمریکا مواجه است و قدر قدرتی سابق را هم ندارد. از طرف دیگر نمیخواهد ترکیه بیش از این به روسیه نزدیک بشود. در عین حال نگران شکل گیری دولت آینده بغداد است که قرار است بزودی انتخابات شود و هیئت حاکمه جدیدی شکل بگیرد. این فاکتورها بویژه نقش پررنگ جمهوری اسلامی در عراق و سوریه و مقابله آن با سیاستهای آمریکا همگی موانعی برای پیشرفت سیاستهای آمریکا محسوب میشوند. در دل چنین شرایطی و با چنین موانعی آمریکا ناچاراً به پیشروی ترکیه و اشغال عفرین رضایت داد.

خلیل کیوان: بار اول نیست که ناسیونالیسم کرد قربانی زد و بندهای منطقه ای و بین المللی شده است. چرا ناسیونالیسم کرد هر بار قربانی این زد و بندها می شود و چرا همین رویکرد را ادامه می دهند؟

محمد آسنگران: این یک سنت شناخته شده و جا افتاده در میان جنبش ناسیونالیستی کرد و احزاب این جنبش است. همه احزاب جنبش ناسیونالیستی کرد از جمله پ.ک.ک و پی.د.م، علیرغم هر تفاوتی که با بقیه احزاب این جنبش داشته باشند از این قاعده پیروی کرده اند و با دولتهای منطقه روابطی آشکار و پنهان داشته اند. خود پ.ک.ک از روز تشکیل شدنش با استفاده از اختلافات مرزی و سیاسی دولت ترکیه و سوریه که سابقه ای تاریخی از دوران جنگ جهانی اول دارد به حافظ اسد اتکا کرد. پ.ک.ک اولین واحدهای نظامی را در دره بقا سازمان داد و از طریق کمک گرفتن از ارتش سوریه در دهه هشتاد میلادی وارد جنگ با دولت ترکیه شد. در عین حال دولتهای منطقه بر اساس منافعشان چنین احزابی را در دوره های مختلف مورد معامله قرار داده و حتی قربانی کرده اند.

خلیل کیوان: بسیاری از نیروها و احزاب ناسیونالیست کرد در منطقه سیاست سکوت و بی طرفی را اتخاذ کردند. چرا؟

محمد آسنگران: همچنانکه گفتیم همه این احزاب در دوره های معینی با دولتهایی در منطقه همراه شده اند. طبعاً نمیتوانند و یا منافعشان طوری تنظیم شده است که نمیخواهند برخلاف منافع

دولتهای حامی سیاست دیگری اتخاذ کنند. به همین دلیل دولتهایی که منافعشان همراهی با دولت ترکیه است طبعاً خلاف سیاست اردوغان موضع نمیگیرند. اما این بار احزابی که خود را در قطب جمهوری اسلامی و اسد میدانند هم عکس العمل قابل توجهی نداشتند زیرا جمهوری اسلامی و اسد مخالفت تندی با حمله ارتش ترکیه نداشتند.

خلیل کیوان: رویارویی نیروهای مدافع عفرین و مردم این شهر و مناطق دیگر کردستان سوریه با اشغالگران چه اشکالی بخود خواهد گرفت؟

محمد آسنگران: به نظر میرسد نیروهای مسلح ی.پ.گ در این منطقه ناچار به عملیات پارتیزانی بشوند. زیرا منطقه عفرین تماماً در اشغال ارتش ترکیه و جریانات دست ساز قرار گرفته است. طبعاً مردم آواره عفرین ناچار خواهند شد دوباره به محل سکونتشان برگردند و

مقاومت مدنی بعد از مدتی آغاز خواهد شد.

خلیل کیوان: در شرایط حاضر آیا راه حلی برای حل مساله کرد متصور هست؟ در پی کدام تحولات و تحت چه شرایطی امکان حل مساله کرد ممکن هست؟

محمد آسنگران: حل مسئله کرد در کشورهای ترکیه، سوریه، عراق و ایران یکسان نیست. هر کدام از این کشورها شرایط متفاوتی دارند و تعادل قوا بین مردم و دولتهای سرکوبگر منطقه یکی نیست. تا جایی که به مسئله کرد در ترکیه و ایران مربوط است فعلاً دولتهای سرکوبگر و بیرحمی با تمام قدرت سرکوبشان علیه مردم ایستاده اند. اما تغییر این تعادل قوا به نفع مردم و آماده شدن شرایط برای حل مسئله کرد ممکن است دیر یا زود اتفاق بیفتند ولی امری حتمی است. در عراق و سوریه اما حل مسئله کرد امروز به حل بحران این دو کشور گره خورده است. بدون حل بحران این دو

کشور حل مسئله کرد عملی نیست. حل این مساله در هر چهار کشور اما، بدون برگزاری يك فراندوم آزاد و تصمیم مردم برای جدایی یا ماندن در چهارچوب کشوری این کشورها و اجرا شدن تصمیم شهروندان غیر ممکن است.

به نظر میرسد علیرغم افت و خیزهای تا کنونی در کردستان سوریه و عراق روند حل مسئله کرد آغاز شده است و در پایان این تحولات و بحران کنونی، مسئله کرد به هر نحوی که ممکن بشود پاسخ خواهد گرفت. طبعاً نحوه پاسخ به مسئله کرد در این دو کشور تاثیر مستقیمی بر حل مسئله کرد در ترکیه و ایران هم خواهد داشت. چنانچه در این دو کشور حل مسئله کرد به تشکیل دولتی در این منطقه منجر بشود یا هر شکل دیگری بخود بگیرد گرایش استقلال طلبی و یا اشکال دیگری از حل مسئله کرد در کردستان ایران و ترکیه هم تقویت میشود.

شکست نظامی عفرین و رسوایی سیاسی دولت فاشیستی ترکیه!

عفرین اما فقط به دلیل تفوق نظامی دولت فاشیستی ترکیه سقوط نکرد. عفرین در امید واهی احزاب ناسیونالیستی که فکر می کردند با بند بازی میان آمریکا و روسیه می توانند این شهر را حفظ کنند به خودش پشت کرد. قرار بود که عفرین نماد قدرت مردم باشد. قرار بود که عفرین نماد اتکا به مردم باشد. اما چهارچوب و افق سنتی ناسیونالیستی یعنی اتکای به دولتهای ارتجاعی غربی و منطقه ای برای کسب پیروزی نتیجه عکس بهرآه داشت.

من نمی دانم که اگر در عفرین افق و سیاست دیگری حاکم بود این شهر چقدر می توانست به لحاظ نظامی در مقابل ارتش تا به دندان مسلح ترکیه از خود دفاع کند و یا پیروزی بدست آورد. ولی یک چیز مسلم است. دشمن را به خانه راه نمی داد و به آنها اعتماد نمی کرد.

برگرفته از صفحه فیسبوک حسن صالحی

ترکیه از این نبرد به لحاظ سیاسی پیروز بیرون نیامده است. دولت ترکیه بعنوان دولتی که حقوق مسلم و پایه ای مردم کردستان را سرکوب می کند در چشم مردم جهان و انظار بین المللی بعنوان جنایتکار رسوا شده است. قرار گرفتن دولت ترکیه در کنار نیروهای شبه داعشی برای گرفتن خونبار عفرین هر چه بیشتر این دولت را با داعش تداعی خواهد کرد. دولت ترکیه این شانس و اقبال را داشت که در معیت سکوت و یا همراهی خاموش دول غربی و روسیه در عفرین موفقیت نظامی بدست آورد. ولی این دولت در نزد مردم عادی کشورهای غربی بعنوان قاتل مردم بی دفاع عفرین و عامل کشتار و نسل کشی مردم کردستان شناخته شده است. از سوی دیگر نقشی که دولت ترکیه در بحران سوریه پس از امریکا، جمهوری اسلامی و روسیه ایفا می کند حتی با اشغال عفرین هنوز حاشیه ای است و جدی گرفته نخواهد شد.

شکست نظامی عفرین پس از حدود دو ماه حمله جنایتکارانه دولت فاشیستی ترکیه و مقاومتی تحسین برانگیز در جنگی نابرابر اتفاق افتاد. عفرین مقاومت قهرمانانه ای از خود به نمایش گذاشت. در شهرهای مختلف دنیا، مردم به حمایت از آن برخاستند. اما پیروزی در یک نبرد نظامی که یک طرف آن به توپ و تانک و هواییمای جنگی و هزار و یک ساز و برگ نظامی دیگر مسلح است و طرف دیگر آن از این امکانات برخوردار نیست بسیار سخت و دشوار است. اما ارتش ترکیه هم می داند که این پیروزی نظامی بشدت شکننده است. چرا که جنگ به شکل پارتیزانی برای از پای در آوردن نیروهای ترکیه و متحدینش ادامه خواهد یافت و در این نوع جنگ نیروهای مسلح کرد تجربه زیادی دارند.

عفرین در زمینه نظامی شکست خورد ولی دولت فاشیستی

عفرین زخمی

صحنه‌ها تکان دهنده و غم‌انگیز است. کودکان و مردان و زنان آواره و بیمار و بی‌سربس، خانه‌های مخروبه و متروکه و به توپ بسته شده، تانک‌هایی که در میان خانه‌های مخروبه غرش میکنند، سربازان قلمچماقی که دیوانه وار به در و دیوار عفرین شلیک میکنند و اوپاش مسلحی که خانه‌های رها شده را تاراج میکنند. در آنسو شاهد جشن قلدرسالاری اسلامی‌ها و ناسیونالیست‌ها در ترکیه علیه مردمی هستیم که با جنایات ارتشی تا دندان مسلح در کوه و بیابان به آوارگی کشیده شده‌اند. مردمی که گناهکارند. گناهشان چیست؟ تلاش برای به دست گرفتن سرنوشت خود. چه گناه بزرگی است این تلاش در قرنی که دنیا هنوز در دست نیروهای مرتجع و متعفن است. در ایران جمهوری اسلامی سرکار است. در روسیه پوتین در آمریکا ترامپ. در ترکیه اردوغان و... در این دوره عفرین باید مورد یورش قرار گیرد. نام عفرین در کنار قارنا و قلاتان و حلبچه و سندان خونین برای همیشه در دل تاریخ ثبت شد.

نیروهای سیاسی کردستان سوریه تا آنجا که برای سیاست آمریکا مفید بودند، حق داشتند در شاعی به اندازه کوبانی و چند شهر و روستا جولان کنند و با از خودگذشتگی هزاران تن از مردم مسلح تجربه افتخار آفرین کوبانی را خلق نمایند. در واقع جنگ کوبانی پیروزی مردم و شکست حکومت اسلامی اردوغان بود. روزی که کوبانی جشن گرفت، ترس و شرم بر کاخ حکومتیان سایه انداخته بود. دنیا می‌دانست که حاکمین ترکیه و عربستان و اربابانشان خالقین داعش بودند و اکنون با شرم و سرشکستگی شاهد پایان پروژه زشت و کشیف و

ضد انسانی خویش بودند. یورش به عفرین انتقام از کوبانی بود. انتقام از مردمی بود که با شکست دادن داعش امید یافته بودند، سربلند کرده بودند و شوق رهایی در قلب هایشان زبانه کشیده بود. این یورش بود که چراغ سبزش را واکنشگن با ریاکاری و توطئه‌گری داده بود، تا خود را از شر متحذین موقت خویش در کردستان سوریه خلاص کند، و پوتین و خامنه‌ای و اسد بدون اینکه به خود جرات دهند آشکارا از این لشکرکشی حمایت کنند، دعای خیرشان را تثار اردوغان کرده بودند. به این ترتیب پیروزی اردوغان اوپاش در عفرین قابل پیش بینی بود.

اما تاریخ عریه پیروزی اوپاش مسلح بر روی خانه‌های ویران شده مردم را کم ندیده است. این تجربه تلخ تاریخ است. در عین حال مردم همیشه از این تجربیات تلخ و تاسف بار درس گرفته‌اند و دیکتاتورها و خودکامگان و نیروهای فاشیست و منفور را دیر یا زود سر جای خود نشاندند و به زباله دان پرتاب کرده‌اند. سرنوشت اردوغان و دیکتاتورهای فاشیست و مرتجع معاصر او نیز از این قاعده مستثنا نخواهد بود. بویژه روند کنونی اوضاع و خیزشهایی که هرروز در ایران و ترکیه و دیگر کشورهای منطقه سربلند میکند و گسترش می‌یابد، تأکیدی بر این حقیقت است. مردم جهان از عفرین همچون کوبانی همیشه با افتخار یاد خواهند کرد و دیرنخواهد بود که اشغال کنندگانش را با نفرت و انزجار از صحنه جوامع جارو کنند. تردیدی در این نباید داشت.

برگرفته از صفحه فیسبوک کاظم نیکخواه

میتوانیم همه زندانیان سیاسی را آزاد کنیم

اعتراضات توده‌های مردم بی‌باخاسته در دی ماه نقطه عطفی در تقابل و رو در رویی جامعه با حکومت اسلامی برای پایان دادن به نزدیک به چهار دهه سیاهی و تباهی و مذهب زدگی، فقر و فلاکت و نابرابری و ضدیت با خوشی و شادی و هر چه آنچه انسانی است، بود. اعتراضات در نزدیک به ۱۰۰ شهر کوچک و بزرگ، فریادهای مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر حکومت اسلامی، حکومت ضد زن-سرنگون سرنگون، مرگ بر حکومت فقر و فلاکت، جنگ و گریزهای خیابانی، حمله به مراکز بسیج و امام جمعه‌ها که مرکز تجمع اوپاش اسلامی و مرکز سرکوب جامعه‌اند، سرآغاز دوره جدیدی از مبارزات تاریخی مردم و بیانگر تغییر توازن قوای سیاسی در جامعه به نفع توده‌های مردم آزادیخواه و برابری طلب بود.

جمهوری اسلامی تلاش کرد با بکار انداختن ماشین زندان و دستگیری و بگیر و ببند خیزش مردم را عقب براند. ۵۰۰۰ نفر از تظاهر کنندگان دستگیر و زندانی شدند. اما ابزار دستگیری و زندان نه فقط جنبش سرنگونی را ساکت نکرد، بلکه مبارزه برای آزادی دستگیر شدگان را به یکی از خواسته‌های فوری همه مردم تبدیل کرد.

مردم به تجربه دریافته‌اند که یک عرصه تقابل و مبارزه برای سرنگونی رژیم، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و کلا خنثی کردن ابزار دستگیری و زندان و شکنجه است. و این مبارزه‌ای است که اکنون در ابعاد وسیع و اشکال مختلف در جریان است و رژیم اسلامی بهیچوجه قادر به جلوگیری و عقب‌راندن آن نیست. کارگران و معلمان و بخشهای مختلف مردم با هوشیاری مانع دستگیری رهبران و فعالین خود میشوند و با اعتراض

خود دستگیر شدگان را آزاد میکنند. یک جلوه شورانگیز این مبارزه مارش هزاران نفره کارگران گروه ملی فولاد اهواز با خانواده هایشان در همین اسفندماه بود که موفق شدند همکاران دستگیر شده شان را بعد از چند ساعت آزاد کنند. توازن قوای سیاسی به نفع توده‌های مردم بی‌باخاسته تغییر کرده است.

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی پا به پای خیزش توده‌های مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی درگون شده است. پیامها و بیانیه‌های پرشور و جسورانه زندانیان سیاسی از درون زندانها در همراهی با اعتراضات مردم و فراخوان‌های خانواده‌های آنان، دفاع تشکلهای کارگری و نهادهای مختلف اجتماعی از دختران خیابان انقلاب و دفاع از خواست آزادی همه دستگیر شدگان اعتراضات دی ماه، تجمعات گسترده در مقابل زندانها، اعتراضات متعدد در مقابل زندان اوین - قلب ارتجاع اسلامی، برگزاری هفت سین در مقابل زندانها، گلباران زندانیانی که آزاد میشوند، مقابله همه جانبه با سیاست ارباب و به تسلیم کشاندن زندانیان سیاسی، تجمعات پی در پی خانواده‌های زندانیان سیاسی، جملگی گوشه‌هایی از این تلاش سترگ جامعه در دفاع از زندانیان سیاسی و عزیزانی است که در چنگال رژیم گرفتار شده‌اند. مردم را در هر تجمعی و هر فرصتی فریاد میزنند. شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد، شعاری است که حتی در نماز جمعه "ارتجاع اسلامی فریاد زده میشود. باید به تلاش برای آزادی "دختران انقلاب" اشاره کرد که در هر گوشه جامعه در جریان است.

حزب کمونیست کارگری بر گسترش مبارزه برای آزادی بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی تأکید میکند. اعتراض حق بی چون و

چرای تک‌تک مردم است. مردمی که علیه بی حقوقی و بی تامینی و علیه تبحر و تبعیض و علیه باالا کشیدن حقوقهای زیر خط فقرشان مبارزه میکنند و یا طوق حجاب اسلامی را دور می‌اندازند و دختران و پسرانی که دست در دست هم جشن و شادی برپا میکنند، و همه کسانی که در مقابل اوپاش مسلح حکومتی می‌ایستند، مجرم نیستند. این مرتجعین و دزدان و جنایتکاران و شکنجه‌گران حاکمند که باید در دادگاههای مردمی به جرم پایمال کردن ابتدایی ترین حقوق مردم به محاکمه کشیده شوند.

با گسترش مبارزه برای سرنگونی حکومت اسلامی میتوانیم تمامی عزیزان دربندمان را آزاد کنیم. باید وسیعاً به احکام زندان برای دستگیر شدگان اخیر و همچنین احکام زندان و احضار دختران خیابان انقلاب اعتراض کرد. باید خواهان آزادی فوری کارگران و معلمان زندانی و کلیه زندانیان سیاسی شد. باید به تجمعات خانواده‌های زندانیان پیوست. باید به فراخوان زندانیان سیاسی و فعالین در بند برای گسترش مبارزه پاسخی در خور داد. باید رژیم اسلامی و زندانهایش را محاصره کرد. هیچ دستگیری را نباید بدون پاسخ گذاشت. مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی یکی از ارکان درهم شکستن حاکمیت اسلامی است.

زندانی سیاسی بی قید و شرط آزاد باید گردد!
مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باید جمهوری سوسیالیستی!
حزب کمونیست کارگری ایران
۲ فروردین ۱۳۹۷، ۲۲ مارس ۲۰۱۸

سایت حزب:

www.wpiran.org

نشریه انترناسیونال:

www.anternasional.com

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

اعتراضات کارگری در روزهای پایانی سال با قدرت ادامه دارد!

۲۶ اسفند:

کارگران فولاد اهواز به مبارزه قدرتمند خود ادامه میدهند

روز ۲۶ اسفند هزاران کارگر گروه ملی فولاد اهواز در بیست و ششمین روز اعتراض خود، در مقابل استانداری تجمع کردند و سپس در صفی هزاران نفر به سمت کیانپارس راهپیمایی کردند و شعار دادند. شعارهای کوبنده کارگران از جمله کارگر میمیرد ذلت نمی پذیرد، نه تهدید نه زندان دیگر فایده ندارد، در فضای شهر ظنن اداخته است. یک اتفاق تکان دهنده در راهپیمایی روز ۲۶ اسفند، زیر گرفتن هادی خلفی نیا یکی از کارگران معترض این کارخانه توسط راننده یک پراید بود. اعتراض کارگران شدت بیشتری یافت و هادی خلفی به بیمارستان منتقل شد.

در این روز قرار بر این شد که روز ۲۷ اسفند معاون سیاسی استانداری مجدداً به محل تجمع آمده و نتیجه جلسات امروز و امشب در تهران را به کارگران اطلاع بدهد. بنا بر خبرها صبح روز ۲۶ اسفند موسوی جلسه ای با وزیر اقتصاد و معاون بانکی این وزارتخانه برگزار کرده و امشب نیز جلسه دیگری با وزیر صنعت داشته است.

نزدیک به چهارهفته تجمع و راهپیمایی مداوم هزاران کارگر فولاد، نشانه ای از روحیه مبارزاتی طبقه کارگر در مقابل وحش حاکم و نشانه ای از خشم تلنبار شده و آگاهی و تسلیم ناپذیری کارگران است و به سهم خود فضای اعتراضی در اهواز و در کل جامعه را بالاتر برده است.

اعتصاب کارگران راه آهن میانه

از صبح روز ۲۶ اسفند کارگران راه آهن میانه طبق فراخوان قبلی دست از کار کشیده و خواهان پرداخت فوری دستمزدهای پرداخت

نشده و عیدی و سنوات و سید کالای خود شدند. کارگران راه آهن در سطحی سراسری از جمله در شهرهای کرج، اسلامشهر، زاگرس لرستان، مشهد، تبریز، دامغان، سمنان، فراخوان به اعتصاب داده بودند.

تجمع کارگران نیشکر هفت تپه

کارگران بازنشسته نیشکر هفت تپه در اعتراض به عدم پرداخت طلبهایشان و خلف وعده های مقامات مسئول، در مقابل دفتر مدیریت تجمع کردند. این کارگران در آذر ماه بازنشست شده اند و به دلیل عدم واریز ۴ درصد سهم کارفرما به حساب سازمان تامین اجتماعی، سیکل بازنشستگی آنها تکمیل نشده و همین مسئله باعث شده است که آنان از یک طرف بدلیل عدم اشتغال از آذر ماه امسال حقوقی از کارفرما دریافت نکنند و از طرف دیگر بدلیل عدم تکمیل سیکل بازنشستگی شان حقوقی از سازمان تامین اجتماعی دریافت نکنند. دفترچه های درمانی کارگران نیز تولید نشده است.

روز ۲۶ اسفند همچنین تعدادی از نمایندگان کارگران نیشکر از جمله اسماعیل بخشی، کرامت پام، رحیم بسحاق و رمضان علیپور از طرف دادستانی به دادگاه احضار شدند. دادستانی شوش در حالی که کارفرمای شرکت و مسئولین شهری وعده های خود مبنی بر پرداخت دستمزد و سهم بیمه را زیر پا گذاشته اند، شروع به احضار کارگران کرده است.

تجمع کارگران بازنشسته کیان تاپر

کارگران بازنشسته کیان تاپر بنا بر فراخوان قبلی در اعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان در مقابل کارخانه دست به تجمع زدند. در این فراخوان چنین آمده است: ما بازنشستگان کارخانه تولید لاستیک

کیان تاپر که از سالهای ۳۸۷ به بعد بازنشست شده ایم و تا کنون حق سنوات پایان خدمت خود را به صورت اقساط ماهی ۵۰۰ هزار تومان دریافت می کردیم و پس از سالها هنوز به طور کامل سنوات مان پرداخت نشده است، چندین بار به تمامی ارگانهای مسئول مملکت از بیت رهبری تا ریاست جمهوری و وزارت صنایع و معادن، استانداری، فرمانداری، و خیلی ارگانهای دیگر نامه دادیم. ۹ ماه است که همین ۵۰۰ هزار تومان نیز پرداخت نشده است. هیات اجرایی کارخانه قرار بود بخشی از این مطالبات را در روز ۲۵ اسفند پرداخت کند که این وعده نیز مانند دیگر وعده های آنها توخالی بود.

۲۵ اسفند:

تجمع کارگران شهرداری کرمان

- کارگران شهرداری کرمان در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق و حق بیمه و مطالبات دیگر خود، در مقابل ساختمان شورای شهر دست به تجمع زدند. کارگران شهرداری کرمان روز ۲۴ اسفند نیز تجمع داشتند. کارگران با لباس فرم و دست نوشتن هائی از جمله: «هروعه که دادند به ما باد هوا بود- هرکنکه که گفتند فریب بود و ریا بود» در تجمع شرکت کردند.

۲۴ اسفند:

اعتصاب و تجمع کارگران سد شقارود

کارگران سد شقارود برای دومین روز متوالی در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق، حق عیدی و سنوات دست به اعتصاب و تجمع مقابل ساختمان شرکت ژیان زدند.

تجمع کارگران کارخانه شیروارنا

کارگران اخراجی کارخانه

شیروارنا در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات و واریز نشدن مقرر بیمه بیکاری خود، دست به تجمع اعتراضی در مقابل فرمانداری ورامین زدند.

تجمع پرستاران بیمارستان شهدای خلیج فارس در بوشهر

پرستاران بیمارستان شهدای خلیج فارس بوشهر در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان دست به تجمع اعتراضی زدند.

تجمع کارگران شهرداری شهر کرد

کارگران شهرداری شهر کرد به دلیل عدم پرداخت ۴ ماه حقوق در مقابل ساختمان شورای شهر کرد دست به تجمع زدند.

تجمع کارگران شرکت سالم شهر

کارگران شرکت سالم شهر در مقابل ساختمان شورای شهر کرج در اعتراض به تعویق در پرداخت مطالبات شان تجمع کردند.

تجمع کارگران کاشی حافظ

کارگران کاشی حافظ در سیزدهمین روز اعتراض خود مقابل اداره صنعت و معدن فارس با به دار آویختن مجسمه نمادین کارگر تجمع کردند و شعار دادند: «چند میلیارد گرفتید / کارگرو فروختید؟» ۱۲ ماه حقوق و عیدی کارگران توسط کارفرما بالا کشیده شده است.

تجمع کارگران متروی تهران

کارگران متروی تهران نسبت به عدم پرداخت ماه حقوق، عیدی و مطالبات دیگرشان تجمع اعتراضی برپا داشتند.

اعتصاب کارگران راه آهن سمنان

کارکنان راه آهن شمال شرق سمنان بخاطر دستمزدهای پرداخت نشده در مقابل ساختمان استانداری سمنان دست به اعتصاب زدند.

تجمع کارگران شهرداری بروجرد

کارگران و کارمندان شهرداری بروجرد در اعتراض به ۸ ماه حقوق عقب افتاده خود تجمع کردند.

جنبش کارگری در ایران در موقعیتی قرار گرفته که میتواند گام های موثری به جلو بردارد و موفقیت های مهمی را به نفع خود تشییع کند. تشکل های خود را ایجاد کند و اعتصابات بزرگ و منطقه ای و سراسری را در مقابل خود قرار دهد. حضور گسترده خانواده های کارگری و راهپیمایی و تحصن در مراکز شهرها از جمله اقداماتی است که قدرت اعتراض کارگران را بطور چشمگیری افزایش میدهد، همبستگی فعالانه مردم را به خود جلب میکنند، زمینه را برای اعتصابات و تجمعات بزرگ و همزمان مراکز کارگری که با مشکلات مشابهی دست و پنجه نرم میکنند فراهم میکند و دولت و کارفرمایان مفتخور را مجبور به تمکین به خواست های کارگران میکند. جنبش کارگری نباید این فرصت را از دست بدهد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ اسفند ۱۳۹۶، ۱۷ مارس

۲۰۱۸

fb.com/
wpiran/



Name: Ali Khamenei
Location: Iran



Wanted for
**CRIME
AGAINST
HUMANITY**

**DOWN WITH
ISLAMIC REGIME OF
IRAN**



**در همبستگی با دختران خیابان انقلاب در ارتفاعات هیمالیا
همراه با پرچم حزب کمونیست کارگری توسط بهروز بهاری**



**Down with
the Islamic
regime of Iran!**

مرگ بر جمهوری اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

انترناسیونال

**نشریه حزب
کمونیست کارگری**

سردبیر: خلیل کیوان
مسئول فنی: سهند مطلق

ایمیل: anternasional@yahoo.com
انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مشخصات کانال جدید در یاه ست:
فرکانس 12594
سیمبل ریت 27500
FEC 2/3
پلاریزاسیون عمودی

هاتبرد:
فرکانس 11471
سیمبل ریت 27500
FEC 5/6
پلاریزاسیون عمودی

کانال جدید از امروز روی دو ماهواره یاه ست و هاتبرد پخش میشود

به اطلاع عموم میرسانیم که با توجه به شروع خیزش انقلابی مردم و اوضاع متحولی که در ایران شروع شده است، تلویزیون کانال جدید که در یکسال گذشته از ماهواره یاه ست پخش میشد، از امروز ۲۲ دیماه (۱۲ ژانویه) از هاتبرد نیز پخش میشود.

مشخصات کانال جدید در این دو ماهواره را به دیگران اطلاع دهید. کانال جدید صدای مردم است، صدای انقلاب مردم علیه جمهوری اسلامی، صدای مردمی که در خیابان ها فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی سر میدهند و در کارخانه ها دست به اعتصاب و تجمع میزنند. صدای مادران و پدرانی است که در مقابل زندانها آزادی عزیزان خود را میخواهند. صدای مردم به خروش آمده علیه کل دم و دستگاه جنایت و چپاول اسلامی است. صدای زنانی است که تبعیض و تحقیر و نابرابری و تحمیلات اسلامی را نمیخواهند. این رسانه را به هر شکل که میتوانید از جمله با کمک مالی تقویت کنید.

کانال جدید